

شناخت موانع موجود برسوراه ایجاد قدرت واقعی و راه مقابله با آن موانع

کمترین نیروی انقلابی را بتوان یافت که ادعای نداشتن داشته باشد که بویژه در شرایط کنونی وجود یک "قدرت واقعی" یا یک "الترنا تویا انقلابی" یا یک "قطب واقعی" قدرت مندی که بتوانند عملاً به جانشین قدرت فدا انقلابی کنونی طرح گردود در توده ها امیدها مکن تحقق خواستهایشان را در صورت پیروزی آن قطب الغاء کنند، یک ضرورت تاریخی است. چنین ضرورت و نیازی است که هر نیروی انقلابی را مواجه با این سؤال میکند که این "قدرت واقعی" در کجا است؟
عده بی شکل گیری یک ائتلاف هر چند نامتجانس از نیروهای اپوزیسیون را همان "قدرت" میداند و بر آن هستند که با یستی در جهت گردآوری و متحد نمودن کلیه نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی (بویژه نیروهای بالفعل آن که هم اکنون دارای پایگاه توده بی "چشمگیری" (!) نیز هستند) حرکت کرد. وعده بی دیگری نیز معتقدند که با یستی در هلاکت انقلابی از نیروهای اپوزیسیون با هم هیئت شرکت نمود (البته با موضع انتقادی!) و از درون در بقیه در صفحه ۲

«هفته جنگ» هفته شکست سیاستهای فریبکارانه رژیم

سیاست ترور و اختناق، فقر و فلاکت روز افزون توده ها که آنان را بشدت با مسائل اقتصادی درگیر نموده، سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و همچنین افشای ماهیت ارتجاعی جنگ در نزد وسیعترین توده ها باعث گشته اند تا جنگ مسئله توده ها نباشد. توده ها رژیم را با جنگ قدرتش بقیه در صفحه ۶

رژیم در روزهای گذشته نمایانهای بنام "هفته جنگ" را در سراسر ایران به روی صحنه آورد. هر چند این نمایانها که با هدف انحراف افکار عمومی توده ها و فریب و تحمیل آنان به اجراء مدبسانا شکستی مفتضحانه و با عدم استقبال سراسری مردم مواجه گشت اما بدنیت به بررسی مختصری در مورد آن بپردازیم.

انقلاب و نیروهای نظامی

است که مسئله کسب قدرت نه بطور کلی بلکه بطور مشخص و بعنوان مسئله ای فوری طرح میشود. در چنین دورانی تمامی فعالیت های یک حزب انقلابی حول مسئله مبرم - تسخیر قدرت سیاسی سازمان میابد و کلیه فعالیتها با چنین روحی به پیش برده میشود. بقیه در صفحه ۱۳

مسئله اساسی هر انقلاب، موضوع قدرت حاکمه است. نخستین علامت مشخصه هر انقلاب انتقال قدرت سیاسی در دست یک طبقه به طبقه دیگر است. هنگامیکه انقلاب آغاز میگردد و با در جریان است، مسئله تسخیر قدرت سیاسی بمثابه وظیفه مبرم و محوری در دستور کار قرار میگیرد. در چنین شرایطی

تهدیدات خمینی

نشانه ترس اوست

همه، بخصوص تمامی دانش آموزان در روز اول مدرسه بمناسبت خوش آمدگویی در رابطه با زدن مدارس تهدیدات - خمینی را شنیدند! خمینی بگونه ای شاها نه پیام داد که دانش آموزان بدانند که گوش دادن به مقاصد شوم منافقان و منحرفان آنان را از مدارس محروم خواهد کرد و اجازة خلال در امور مدارس به کسی داده نخواهد شد! او از این طریق تمامی توان و نفوذ باقی مانده خود را یکبار گرفته است تا مگر سدی بر راه مبارزات دانش آموزان ایجاد نماید. بقیه در صفحه ۱۵

در مرحله

چه باید کرد؟

سرکوب و کشتار و برقراری جو خفقان از سوی رژیم با زتاب خود را در محلات نیز یافته است. بحث ها نسبت به مقطع قبل از ۳۰ خرداد اما فروکش کرده و بحث و گفتگوی موجودا کثرا "بر محورگرانی و مسائل اقتصادی دور میزند. تنها در جمع های کوچک و قابل اطمینان "بدگویی از رژیم صریحا" پیش برده میشود. رژیم سرکوبگر جهت تداوم هر چه بیشتر زندگی ننگین خود تمامی - نیروی خود را بکار گرفته است. در محلات بقیه در صفحه ۱۳

یک ارزیابی کوتاه از...

جنبش جهانی

فنون بازسازی نیروی انسانی

اخبار شهرستانها

مؤک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

شناخت موانع موجود بر سر راه ایجاد قدرت واقعی و...

جهت رادیکالیزه کردن آن کوشید، زیرا "قدرت واقعی (که همتا) جبهه دمکراتیک - غذا میریالیستی برهبری طبقه کارگر (است) در شرایط کنونی نمی تواند موجودیت پیدا کند و عدم ورود در جبهه های دیگر" (۱۲) بمعنای ترک ححنه مبارزه سیاسی کنونی است.

اما مارکسیستها پاسخ دیگری باین سؤال میدهند. لنین این مارکسیست کبیر در مقدمه یی بر ترجمه روسی جزوه لیکنشت، نه مصالحه نه توافق مبارزاتی (جلد ۱۱) صفحات ۴۰۲-۴۰۱ مجموعه آثار (انگلیسی) باین سؤال چنین جواب میدهد "و" (منظور لیکنشت است) همیشه وقتی قدرت رزمندگان را واقعی میدانند که قدرت توده های کارگردارای آگاهیه طبقاتی باشد (تاکیدها از ما است)

لنن این عبارت را در جلدی با پلخاتف این اپورتونیست سرشناس سوسیال دمکراسی روسیه حول مسئله کهنه وریشه دار "اختلف یا" توافق تکنیکی "با لافسره" و جان کلام "ما زین با بورژوازی لیبرال (ویویره گادتها) نقل میکنند. زیرا منشویکها و پلخاتف معتقد بودند که "قدرت واقعی در" توافق" با کلبه نیروهای - نهفته است که با ارتجاع تزاری میبندند فرمول آنها بسیار ساده و "محدود" بود "گادتها میخواستند با ارتجاع بجنگند... پس توافق با گادتها" و این ساده نگری و درک محدود آن ویژگی بارز اپورتونیسم اپورتونیستهاست که شدیداً "مورد انتقاد لنن قرار گرفته بود. البته لیکنشت (و نیز لنن) در ابتدا "بهیچوجه منکر این نمی شود که توافقی با احزاب اپورتونیست بورژوازی هم از نقطه نظر کسب "کریسهای پارلمانی" و هم از نقطه نظر منظور نمودن یک متفق (یک متفق مفروض علیه دشمن مشترک، یعنی ارتجاع مفید هستند) (همانجا) اما بدیهی است که او خودش را باین ملاحظات محدود نمی کند و به بررسی مسئله می پردازد و مسئله را با طرح سئوالات زیر بیشتر میتکا فدو میگوید دقیقاً "ماهیت طبقاتی آن نیرو را روشن نماید:

"آیا این متفق دشمنی در لباس میدل نیست که بدیش او در مفروض ما بویژه خطرناک باشد؟ آیا واقعاً علیه دشمن مشترک میبندد؟ بچهره روشنی؟ آیا توافقیها بفرص آنکه بحثا به وسیله کسب کریسهای بیشتری در پارلمان مفید باشد، برای - اهداف عمیقتر و در کمی تر حزب پرولتاریا مضر نیستند؟ (همانجا) و آنگاه پاسخ میدهد که: دشمنان گادب خطرناکتر از دشمنان آشکار هستند" زیرا این دوستان گادب هستند که با ماستمالی کردن تضاد طبقاتی و مخدوش نمودن خط و مرزهای دوستان و دشمنان توده های کارگرا گاهی طبقاتی آنها را به تباهی و انحطاط میکشاند، و آنگاه منشویکها را مسورد انتقاد قرار داده، مینویسد: آنها درک

بقیه از صفحه ۱

نمی کنند که مبارزه علیه گادتها مبارزاتی است برای رها کردن ذهن توده کارگران از ایده ها و پیش قضاوت های گادب درباره ترکیب آزادی خلق با رژیم سابق" (همانجا) بدین ترتیب روشن میشود که مارکسیسم - لنینیسم بیا میا موزده این "قدرت واقعی" و این "قطب دیگر قدرت توده های کارگردارای آگاهی طبقاتی و بسیاری دیگر توده های کارگریست که دوستان و دشمنان خود را بشناسد و بتواند بیوضوح مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را بازشناسد این قطب دیگر همانا "بلوک چپ" یعنی بلوک پرولتاریا و خرده بورژوازی دمکرات است که مرز بندی صریح و آشکار و قاطعی با بورژوازی لیبرال و طبقه نیروهای داشته با تده دارای این توهم هستند.

ایده آن مان نیز آ نیست که بحکم ضرورت تاریخی و با توجه به ذهنیت توده های خلق (که ضرورت چنین بلوکی را موکدا "عنوان میکنند) بایستی به چنین بلوکی مادیت بختیم و مقدماتاً "بکوشیم موانع موجود بر سر راه را از میان برداریم. اما لازمه از میان برداشتن موانع و تحقق بخشیدن باین ضرورت تاریخی شناخت درست این موانع و نیز راه حل آنها و شیوه درست پیاده کردن آن راه حل است. بنظر ما میتوان این موانع را در دو مقوله اصلی زیر خلاصه کرد:

۱- برون تشکیلاتی ۲- درون تشکیلاتی
به توضیح بیشتر این موانع بپردازیم:
۱- برون تشکیلاتی: منظور آن موانعی است که از خارج سازمان ما و در سطح جنبش وجود دارد که اثر دارد و مورد اصلی بررسی می کنیم.
الف: واقعیت آنست که ائتلافی "نامیون" و "نامتجانس" از دموکراتهای انقلابی و لیبرالها در سطح جنبش شکل گرفتند و مدتیست حرکت خود را شروع کرده است. و این آن مانع اساسی در مقابل مادیت یافتن "قدرت واقعی" خلق است. زیرا از یک طرف آلترناتیوی را طرح نموده است که با اعتقاد ما سرنوشتی روشن و امید بخش ندارد و از طرف دیگر در راه آن عامل اساسی قدرت یعنی توده های کارگردارای آگاهی طبقاتی موانع و سدهای عظیمی ایجاد کرده است و بر آگاهی توده ها لطمات جبران ناپذیری وارد ساخته است. اگر ماهیت لیبرال بورژوا متفق دمکراتها را در با بیم (و در توهم خرده بورژوازی مرفه بودن آن و یا حداقل تمایل باین سمت بدلیل پایگاه طبقاتی آن نداشته باشیم!!) و تلاش چند ساله او را (و حداقل مدتی را که وی در موضع قدرت بوده است) برای مخدوش کردن مرزهای طبقاتی و نیز نابود کردن شکل پرولتاریای انقلابی ایران را مورد توجه قرار دهیم، بی به حد اغتشاش و آشفتگی در ذهنیت کارگران و حذرباتی که شکل گیری این ائتلاف بر مبارزه انقلابی

کارگران وارد می آورد، می بریم. اکنون دیگر برای ما کاملاً روشن است که در ذهنیت کارگران دو مسئله بویژه مهم و متفاوت - ایجاد شده است: (۱) آیا اینهمه مبارزه جوی فداکاری، ایمان و اعتقاد بدخلق گسسه در دمکراتهای انقلابی میدیدیم واقعی بود؟ و آیا اینها همان نیروهای رزمنده "فد" امیریا لیست و ضد سرمایه داران بزرگی هستند که سالیان دراز علیه رژیم سرسپرده شاه مبارزه میکردند؟ اگر چنین است پس این توافق چه معنایی دارد؟ آیا نه اینست که جریان لیبرالی اینهمه سرکوب توده های خلق و نیروهای سیاسی نماینده آنان پرده بسته بود و اینهمه موانع در سر راه تشکل و سازمانی آنها ایجاد کرد؟ آیا این لیبرالها نبودند که با تطویر ارتش و بوروکراسی پوسیده شاهنشاهی و نجس، با نکداریان و کارخانه داران بشیوه ها کوناگون از جمله از طریق دولتی کردن بخشی از سرمایه آنان، اینهمه در جهت منافع همان سرمایه داران بزرگ کوشیدند؟
۲- آیا امکان ندارد که لیبرالها بخود آیند و بیف خلق ببیوندند؟ مگر نه اینست که اکنون دمکراتهای انقلابی این مبارزین پرشور سالهای اخیر دست آنها را که برای آزادی و استقلال "مبارزه" می کنند، فشرده اند و همکاری آنها را پذیرفته اند؟ مگر نه اینست که غالب حرکاتی که دمکراتهای انقلابی تاکنون کرده اند، در خدمت مبارزه ضد امیریا لیستی و بحق آرمانهای خلق بوده است؟ پس تا تبدیل لیبرالها از جانب آنها مسلم است نمی تواند معنایی جز این داشته باشد. و این هر دو ذهنیت خود پیا مدعایش خواهند داشت که ضربات شدیدی بر جنبش انقلابی میهنمان وارد خواهد ساخت. ذهنیت اول نوعی شک و تردید، تزلزل، و بی اعتمادی ب جریانهای انقلابی دامن میزند و ذهنیت دوم نوعی اعتماد و اعتقاد به نیروهای ضد انقلابی و این هر دو برای انقلاب مخربند.
ب: پراکندگی و نبود وحدت (حداقل وحدت عمل) در صف نیروهای انقلابی طبقه کارگر که خود موجب دو اثر منفی متفاوت میشود. از یک طرف امکان برخورد قدرتمند به ائتلاف فوق الذکورتا شیر گذاری مثبت بر آن راضیف میکند و از طرف دیگر امکان ایجاد آلترناتیو قدرتمندی از نیروهای م- ل و انقلابی را در سطح جنبش کاهش میدهد. و این هر دو می تواند در برابرمان با انقلاب توده های که یک قیام شکوهند را پشت سر گذارده اند و رهبری آن با آنها خیانت کرده است، تا تیرات مضر و جبران ناپذیری بگذارد. بیاس، سرخوردگی، و بی اعتمادی و آینه بی بدون چشم انداز روشن از حداقل اثراتی است که در جنبش شرایطی میتوان انتظارش را داشت.

بقیه در صفحه ۱۷

اسد تقلال - کار - مسکن - آزادی

قانون بازسازی نیروی انسانی

نظریه‌های فلع و فمع کارسندان متری و انقلابی

در هفته گذشته "قانون بازسازی نیروی انسانی و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته بدولت" شامل همهاده از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. با تصویب این قانون رژیم تصمیم دارد "انقلاب" را در ریش را بمرحله اجرا بگذارد. با یک نگاه سطحی باین قانون عیان میگردد که هدف از تصویب این قانون در "سال قانون" (مانند سابق قوانینی که به سرعت بتصویب می رسد) بوجود آوردن نهادی بیوکراتیک و مدخلتی است که سرکوب و قلع و قمع صدها هزار رنفر از کارکنان مترقی و انقلابی و وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته بدولت را به مرحله اجرا درآورد.

در زیر کوتاهی شده است این قانون که میلیونها هموطن ما را در بر میگردد و جنبه اهداف و ماهیت مورد بررسی قرار گیرد:

اهداف قانون بازسازی نیروی انسانی... بر خلاف آنچه تا کنون رژیم دعا میکرد که گویا با سیستم دیوانسالاری و بیوکراسی مخالف است این قانون بروشنی بیانگر این واقعیت است که رژیم به نفس دستگاه اداری مخالف است و نه با وسعت و ابعد آن. زیرا در تمام همهاده و در همه بنده و تبصره این قانون کوچکترین اشاره ای با بسن مسئله نشده است و آنچه از این قانون مستفاد میشود خدمت گرفتن این دستگاه عریض و طویل است بطوریکه اولاً بسن دستگاه بتواند وظیفه خدمت به سیستم بورژوازی را با نجام مرسانند و ثانیاً... خدمتگذار سیستم جمهوری اسلامی که مبتنی بر ولایت فقیه و تلفیق دین و سیاست است باشد. علاوه اینکه این قانون با بد "مهره" ها شای را با زسازی کند که بدر حکومت فعلی بخورد! همانطور که در عمل هم دیدیم پس از زروی کار آمدن کا حکمیت جدید نه تنها دستگاه بیوکراسی محدود نشد، بلکه با حفظ تمام دستگاههای قبلی، دستگاههای بیوکراتیک اداری و نظامی دیگری هم چون بنیاد مستضعفین، بنیاد دغلو، جهاد سازندگی، جهاد شگای، بنیاد مسکن، بنیاد شهید، سپاه پاسداران، بسیج... بوجود آمدند که هر کدام هزاران پرسنل جدید ایجاد کردند. نتیجه اینکه دستگاه بیوکراتیک فعلی بیش از زمان شاه و مردم کرده است. پس رژیم نه در عمل و نه در قوانین مدونه اش کاری به بیوکراسی و مردم کرده ندارد، بلکه آنچه برای این اهمیت دارد در اختیار گرفتن "مهره‌ها" است که کاملاً در خدمتشان باشند و در جهت "تداوم انقلاب" اسلامی قدم بردارند و در مقابل، با کساری و حذف تمام کسانی است که نتوانند بعنوان چنین مهره‌ها شای به خدمتگذار اداری ادامه دهند. در مقدمه قانون بازسازی این هدف بتکل روشنی بیان شده است:

"از آنجا که تداوم انقلاب اسلامی... بدین منظور بازسازی نیروی انسانی ادارات و موسسات آموزشی و دیگر نهادها از وجود افرادی که به نحوی از اجزاء در گذشته و حال مانع استقرار روزشمار گسترش انقلاب اسلامی ایران بوده و هستند و نیز افرادی که ملاحظه اشتغال در امر کردولتی و وابسته بدولت را در جمهوری اسلامی ندارند

... ضروری بنظر میرسد" بنا بر این اهداف رژیم از این جمله چنین مستفاد میشود که: رژیم این نهاد بورژوازی (یعنی دستگاه اداری) را تماماً موقوف حفظ کرده وحتی توسعه هم داده و خواهد داد. تنها میخواهد آنرا با ماهیت خودش تطبیق دهد و از آنجا که خود ویژگی این دولت بورژوازی تلفیق مذهب شیعه با حکومت است. بنا بر این دستگاه بیوکراسی کنونی از جنبه‌ها شای از سابق رجحانی تر هم شده است. بررسی قانون بازسازی اهداف کوتاه مدت و دراز مدت رژیم را از تدوین چنین قانونی نشان میدهد:

۱- اخراج همه عناصر انقلابی و مترقی

اگر شوراهای کمیته‌های پایه با کساری طبع که از دل جنبش توده‌ای بیرون آمدند هدفشان را با کساری ادارات و موسسات و... از لوث وجود سایر کمیته‌ها، فرا ما سپورهای وابستگی و عناصر رژیم شاه، خاشنین و غارتگران به منافع خلق و عناصر مردمی قرار داده بودند، قانون بازسازی برعکس عمده... هدفش را اخراج و بازسازی نیروهای مترقی و انقلابی... و مستعده به خلق قرار داده است. افراد دیگه هدفشان تداوم جنبش خلق و انقلاب دمکراتیک و تداوم جنبش لیستی است. ماده ۲۶ قانون بازسازی ارتکاب جرایم زیر را موجب انفصال دانشمندان از خدمات دولتی و موسسات وابسته بدولت میداند:

۱- قیام علیه جمهوری اسلامی و یا فعالیت موثر بنفع گروهی شای که قیام علیه جمهوری اسلامی بنمایند. ۲- غیوریت در سازمانهای جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی و یا جاسوسی و یا فعالیت به نفع آنها و کسب اطلاعات بنفع دولت بیگانه قبل یا بعد از انقلاب و یا جاسوسی و کسب اطلاعات... محرمانه و یا فعالیت بنفع گروههای غیر قانونی داخلی. ۳- افشای اسرار و اسناد نظامی و یا سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران یا بسته به هر یک از وزارتخانه‌ها و یا موسسات دولتی. ۴- نگهداری مدارک محرمانه و اموال و وجوه و اوراق بهادار سروقه در دوران انقلاب و خودداری از تحویل آنها به مراجع صالحه. ۵- استفاده از امکانات دولتی برای پیشبرد اهداف گروههای ضد انقلابی و یا گروهی شای که فعالیت آنها از طرف مقامات ما ممنوع اعلام شده است. ۶- قاچاق اسلحه و مهمات و مواد مخدر و ارز و کالاهای ممنوعه. ۷- عضویت فرقی قائله که با جماع مسلمین خارج اسلام شایخته شده اند یا عضویت در سازمانها شای که مرمانه و اسامی آنها بر نفی ادیان الهی بنیستی باشد. ۸- اتمام لزوم صلحانه برای بدست آوردن امتیازات فردی و یا گروهی یا تحمل مقاصد. ۹- اقدام به تشکیل گروههای غیر قانونی و ضد نظام جمهوری اسلامی. ۱۰- و ۱۱- استفاده مستخدمتی را که نقش اصلی و محرک را در ایجاد تحصنات و عناصر تظاهرات و سونویا و ادراختی دیگران به کار... کسی و کمکاری و اسرار و اسامی اموال دولتی را در دست محکوم بگیرد شای...

تا ۱۱ ماهه یعنی انفصال ابتدا از خدمات دولتی می دانند. ملاحظه میشود که موارد اخراج و انفصال دانشمندان نقد در زیر است که هر کس را کسب کوچکترین مخالفت یا انتقاد بدولت کند شامل خواهد شد. بسیاری از موارد ذکر شده تنها بهانه‌ها شای است برای اخراج. مثلاً: ۱- اتهامات جاسوسی یا همکاری با قوای نظامی بیگانه و یا افشای اسرار و اسناد نظامی و سیاسی دولت جمهوری اسلامی، و یا نگهداری مدارک محرمانه... مسائلی است که ظرف دو سال و نیم گذشته بسبب... اتفاق افتاده است که زدن این پرسنل را در دادگاههای با ملاحظه انقلاب بسیار راهی بوده است. مگر سید سلطانی و نورانی بجرم خروج از در شب بیرونی شای با زدن نکردند و سپس به جرم دیگری و اسامی اموال کردند، و مگر سعادت را بجرم واهی جاسوسی، آنهم بنفع شوروی، دستگیر کردند و سپس با تمام وابستگی با آمریکا اعدام شدند؟

شماره ۱ ماده ۲۷ با افراد ترکداشته و فعالیت بنفع "مسئله‌های فدا سلام" در موسسات آموزشی را شامل انفصال اینده دانسته و با ماده ۲۸ که لاین منفی را هم مشمول انفصال ابد میداند وقت میگوید مستخدمینی که نقش اصلی و محرک در تحصنات و عناصر تظاهرات و تشویش و اودار ساختن دیگران به کمکاری داشته باشند محکوم به کساری شده تا ۱۱ ماهه ۱۹ میشوند (که بنده ۱۱ انفصال ابتدا از خدمات است). در اینجا دیگر مسئله جاسوسی، قیام علیه حکومت، وابستگی به سازمانهای غیر قانونی، قیام مسلحانه، اسلحه قاچاق و... مطرح نیست. توسل به یک حق ناممکن یعنی اعتصاب، تهمین و تظاهرات که در اغلب کشورهای جهان برسدیت شناخته شده است. وقتی قانون ارتجاعی وضع خلقی بازسازی ده بوسیله بیس مدخلتی تصویب شده است چنین اقدامی را مستحق انفصال ابتدا از خدمات... یعنی اخراج بدون هیچگونه مزایا شای) میداند. نوقت بسنه روشنی میتوان نتیجه گیری کرد که یکی از اهداف تدوین و اجرای قانون بازسازی، اخراج و تصفیه تمام عناصر مترقی و انقلابی از ادارات و موسسات وابسته به دولت است.

۲- اخراج افراد غیر مذهبی

یکی دیگر از اهداف قانون بازسازی تصفیه تمام افراد و عناصر غیر مذهبی از ادارات و موسسات وابسته بدولت است. امری که در هیچکدام دنیا سابقه ندارد. در سیستم اداری بورژوازی بطور معمول مسئله اشتغال ز نیروی کار مرفه نظر از اعتقادات مذهبی و حتی سیاسی محصل می آید. اما در جمهوری اسلامی که مسکن تلفیق دین و سیاست است این قرار گرفته است حق زندگی کردن را از افراد غیر مذهبی سلب کرده و حقوق اقلیتها را میگیرد. راهم بنده بدین وجهی محدود کرده است. ماده ۱۸ قانون بازسازی میگوید: "علاوه بر جرایم مقرر در موارد قبل، موارد زیر... بنده در صفحه ۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
مانگاه داخلش

قانون بازسازی

بقیه از صفحه ۳

نیروی انسانی

نیرو مشمول قانون بازسازی نیروی انسانی خواهد شد:

۱- عضویت فرق فاصله که به اجماع مسلمین خارج از اسلام شناخته شده اند و با عضویت در این سازمانها نمی‌تواند که مرام ما و اساس ما را شناخته‌اند و نفی ادیان الهی مبتنی باشد و در بنده ۸ ماده ۲۶ که مرتکبینی را موجب انفصال دائم از خدمات دولتی و موسسات وابسته بدولت می‌داند عین موارد فوق آمده است. بنا بر این بموجب این مواد هیچیک از کسانیکه خود را ما را رکنیت میدانند، اعم از آنکه طرفدار جمهوری اسلامی باشند یا مخالف آن، صرفاً "بدلیل" نفی ادیان الهی نمیتوانند در هیچ داره دولتی، آموزشی و پرورشی، دانشگاهها، بانکها، شرکتهای و موسسات وابسته بدولت دارای شغلی باشند و بموجب قانون بازسازی مشمول تصفیه قزاقخواهند گرفت. و در این رابطه سرنویشت اعضا و هواداران حزب توده و قداکشان - اکثریت و امثالهم که سنگرهای ادارات و موسسات وابسته بدولت را تسخیر کرده اند با قانون بازسازی سؤال انگیز نخواهد بود. اینان یا باید با طور تصفیه را پذیرا شوند و یا اینکه اعتقادات خود را نفی کرده و به اسلام بازگشته و "توبه کنند" (البته اگر توبه مرتد قبری پذیرا باشد!). بهرحال لیا احرار قانون بازسازی هزاران تن از کارکنان دولت و موسسات وابسته بدولت که دارای اعتقادات مذهبی نیستند و یا بین بهانه

۳- بازگردانیدن تعدادی از افرادی که توسط

شوراها، کمیته‌های انقلابی اوایل انقلاب

پاکسازی شده‌اند و پر کردن خلأهای خراجیهایی

عناصر مترقی و انقلابی از این طریق!

هر چند قانون بازسازی هنوز هم جراحی را که مربوط به قبل از انقلاب است مشمول پاکسازی میدانند اما بسا تعدیلاتی که در این جراحی آمده، عملاً زمینه بازگشت عده زیادی از این فرستادگان که مان را بنرخ روز میخورند! را بوجود آورده است. بی جهت نیست که در ماده ۵۳ آمده است: تصمیمات گرفته شده توسط هیاتهای پاکسازی قبل از تصویب این قانون بشرطی که متهم در خواست نماید در صورتیکه مشمول یکی از بندهای ۱ تا ۷ ماده ۱۹ باشد بوسیله هیاتهای بدوی و در صورتیکه مشمول بندهای ۸ تا ۱۱ ماده ۱۹ باشد بوسیله هیات تجدیدنظر... تحت رسیدگی قرار میگیرند و تصمیم اتخاذ شده قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۲ - در صورتیکه حکمهای آنها مبنی بر ابرائست افراد مذکور باشد از آنها عاده حیثیت شده و حقوق قانونی تصحیح شده آنان برداشته میگردد. هزینه لازم از محل صرفه جویی های دستگاه مربوطه تامین خواهد شد.

از مواد فوق برمیآید که رژیم در نظر دارد که تعداد زیادی از این افراد را مجدداً بکار گرفته و از آنها "عاده حیثیت" کند. و از هم اکنون مبادا میده میشود که بسیاری از این پاکسازی شده‌ها که تا دیروز در خدمت شاه بودند و امروز ریش گذاشته و تسبیح

دست گرفته و مکتبی شده اند! با تصویب قانون بازسازی با دشمنان گردومی شکنند و در انتظار "عاده حیثیت" هستند. زیرا در قانون بازسازی تعدیلات قابل توجهی در جرایم آنها بعمل آمده است. از جمله این تعدیلات چنین است: ماده ۲۳ دبیران حزب منحصر رستاخیز در سطح استان و مقامات بالاتر از آن، صورت دائم از خدمات دولتی و موسسات وابسته بدولت منفسل دانسته ولی مسئولین حزب مذکور در سطح شهرستان و بخش را محکوم به یا زینستی دانسته است. همچنین تبصره ۱ همین ماده تعیین میکند مجازات روسا، معاونین و نواب رئیس و منشیهای کانونهای حزبی را به نسبت فعالیتشان در حدود اختیارات قانون - هیا آنها بدوی و تجدیدنظر قرار داده است. ماده ۲۱ مدیران کل حفاظت و روسای - دوا ایران (یعنی شماس و اک در ادارات) را در صورتیکه "کارت شاد" فعالیت ضد مردمی نداشته اند! محکوم به انفصال دائم از خدمات دولتی میدانند. معلوم نیست وظیفه مدیران کل حفاظت ها و روسای دوا ایران جز فعالیت ضد مردمی چه کار دیگری میتواند داشته باشد؟! آیا گنجانیدن این ماده در قانون بازسازی جز تطهیر مدیران کل حفاظت ها چیز دیگری میتواند باشد؟ ماده ۲۵ در مورد فعالیت های موثر در جهت تحکیم مبانی رژیم گذشته قائل به تخفیف شده و تعیین مجازات را با توجه به موارد زیر دانسته است:

- ۱- عملکرد مستخدم در جریان انقلاب و بعد از آن با ید مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- فعالیت مستخدم در حوزه اشتغال
- ۳- کمالات روشن است که این ماده برای رفاق به فرمت طلبان و مکتبی شدگان بعد از انقلاب است که آب توبه بسرو رویشان ریخته

سور - و با لایحه، نکته جالب در قانون بازسازی اینست که داداشن مشاغل مهم چون نمایندگان مجلس، وزارت سفارت، استانداران و معاونت این مشاغل فقط از ۱۵ خرداد ۴۲ در دست داده و از بودن چنین مشاغلی را از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که سرآغاز تسلط رژیم آمریکائی محمد رضا شاه بوده است جرم حساب نمی آورد. و با این ترتیب افرادی نظیر دکتر علی امینی، این مهرا میرزا لیسما میرکا، عاقد قزاق، دادگستر سیوم نخست وزیر شاه، جرمی مرتکب نشده است زیرا از ۱۵ خرداد ۴۲ در چنین مشاغلی نداشته اند!

این موارد و حذف مواردی که قبلاً از موارد پاکسازی بود و اکنون نیست همسه نشانگر این واقعیت است که رژیم در نظر دارد حداکثر رفاق را نسبت به هوا بستگان به رژیم شاه که توسط کمیته‌ها و شوراها - انقلابی مشمول پاکسازی شده بودند، روا داشته و آنها را دوباره بکار برگردانده و از "تخصص و کارآیی" آنها در سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی استفاده کند.

۴- ایجاد یک نهاد دائمی و قانونی نظیر حفاظت های ساواک از برای مهربی با نام جدید هیئت نظارت، هیاتهای رسیدگی (بدوی و تجدیدنظر) و گروههای بررسی در هر وزارتخانه و موسسات وابسته بدولت که کنترل دائمی روی کارمندان داشته باشد. به مورد فوق اهداف قوری و کوتاه مدت رژیم در تدوین و تصویب لایحه بازسازی بود اما در قرائن با این اهداف آنگاه نشده و هدفهای در زمین هم مورد نظر رژیم بوده است. رژیم بدخلقی جمهوری اسلامی تحت عنوان بازسازی نیروی انسانی تشکیلاتی را در نظر گرفته که در اس هر

نخست وزیر قرار داد و قاعده آنرا گروه - های بررسی و تحقیق در هر اداره موسسه وابسته بدولت تشکیل میدهند. در این دو هم هیئت نظارت عالی در مرکز هر استان و هیئت های رسیدگی بدوی و تجدید نظر که نقش دادگاههای اداری را دارند در هر اداره موجود می آیند. در مقدمه قانون آمده است: تشکیلاتی انقلابی و منسجم بنا بر بازسازی نیروی انسانی زیر نظر نخست وزیر برای مدت دو سال ایجاد میگردد و بعنوان یک نهاد قانونی با نام وظیفه خواهد شد. بر داخت - با این ترتیب بموجب این مقدمه این نهاد قانونی "رسماً برای مدت دو سال در دستگاه اداری کنترل خواهد داشت اما وقتی به ماده ۵۹ و ۵۸ توجه میکنیم می بینیم که این نهاد قانونی "بمورد دائمی تشکیل شده است. در ماده ۵۸ می خوانیم: "مدت اعتبار این قانون از تاریخ تصویب دو سال و در صورت لزوم قابل تمدید است." "ماده ۵۹ میگوید: "دولت موظف است ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون لایحه دادگاههای اداری را متناسب با نظام جمهوری اسلامی تدوین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید." یعنی با تجربه ای که از اجرای این قانون بدست میآوردند قانون دانگاههای اداری را تنظیم خواهند کرد که شکل تکامل یافته قانون بازسازی باشد. با این ترتیب کاملاً روشن است که رژیم با ایجاد این نهاد قانونی چیزی شبیه حفاظت های آریا مهربی که همان شعبات ساواک در ادارات بود یا شکل قانونی در ادارات و موسسات وابسته بدولت ایجاد کرده و تصمیم داده است که آن را در - عوام را این دستگاه در همه جا گسترده و دارای اختیارات وسیع و قانونی هستند.

ماده ۱۰ قانون بازسازی میگوید: "هیاتهای بدوی و تجدیدنظر شعب آنها پس از تشکیل میتوانند نزدیک یا چند گروه را بعنوان گروه بررسی و تحقیق تعیین نمایند... وظایف گروههای بررسی و تحقیق بشرح زیر است:

الف - جمع آوری مدارک و تشکیل پرونده آنها می - ب - تحقیقات محلی در مورد متهم ج - معاینه با متهم د - تحقیق در مورد وضعیت متهم و بعد از انقلاب اسلامی در رابطه با انقلاب اسلامی و اظهار نظر در باره آنها ه - تحقیق در باره وضعیت مالی و معیشت متهم و ... ز - تحقیق و شناسایی روبرو در مورد اینکه تصمیمات قطعی اخذ شده زوی هیاتهای بدوی درستی توسط مقامات مشمول اجرا شده است یا نه. علاوه بر مقامات قانون بر میآید که رسیدگی هیاتهای آنها برای اعمال لایحه کارمند تاکنون انجام داده نبوده، بلکه عملی را که او در آینده هم انجام خواهد داد تحت نظر گرفته و مورد رسیدگی قرار خواهد داد. مثلاً در ماده ۲۹ چنین میخوانیم: "کارشناسی کم کاری، شایعه پراکنی و شرکت در موارد غیر قانونی تصحیح و اعتمایات و نظارات و اعمال فشارهای گروهی یا فردی برای تحمیل مقاصد بدست آوردن امتیازات غیر قانونی مشمول کفرهای بنده ۱ تا ۷ ماده ۱۹ این قانون می باشد." دائمی بودن نظارتها یا "حفاظت ها" همچنین از مواد ۲۳ و ۵۱ استفاده میشود: ماده ۲۳ تعیین مجازات جراحی را که برای آنها در این قانون تعیین شده در اختیار هیئت های نظارت عالی گذاشته است. این امر صرف نظر از آنکه بخاطر آنکه به یک هیئت اجرائی حق قانونگذاری داده شده خلاف قانون است، نمایانگر آنست که رژیم به این هیئت های

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



جلاد خون همی ریزد خلق بیامی خیزد

عقب مانده ترین اقشار توده ها نیز ما عبت رژیم را نشان میدهد. نشان میدهد که کشتارها، سرکوبها، قتل عام ها و دمدنی - های رژیم تماما "از ماهیت سرمایه - دارانه و ضد خلقی اش برمیخیزد -

باید به توده ها گفت که چگونه رژیم زخمیان را از بیمارستان به پای جوخهای اعدام میبرد. باید گفت که چگونه کودکان معصومی را که فریاد مادرشان لرزده براندام می اندازد، به گلوله می بندد - چگونه وحشیانه که مدعی پیاده گردن احکام اسلامند حیوان مفتان به دختران مبارزتجا وز می کنند و تمامی اینها را باید با سخنان کریمه و چندان آرم موسوی تبریزی مستدل ساخت -

باید به توده ها گفت که تمامی این - حرکات هیستریک و دیوانه و آرزو ضعف و زبونی است. از سر و حش است. تشنجات پیش از مرگ رژیم است. باید روشن کرد که رژیم در جنگال خشم خلق جان میکند و در دریای خونی که خود برآه انداخته غرق میشود و اینرا نیز با دیدن سخنان موسوی - تبریزی مستدل کرد. او که خیال خود کمال قاطعیت را به نمایش نهاده در نهضت منظورش را روشن می سازد و از مبارزین می خواهد بیایند، انبارهای اسلحه و خانه های تیمی را نشان دهند و اما نام بگیرند. و از مردم می خواهد که هر حرکت مشکوکی را به اطلاع دهند. این کمال زبونی رژیم است. رژیم که "رهبرش" میگفت "۵۰ نفر بیشتر نیستند"

رژیمی که البته نه تصور میکرد که با یک یورش میتواند از "شر" انقلابیون راحت شود. و از اینرو یورشی با تمام نیرو، یورش مرگ و زندگی خود را از زمان داد. رژیم آتش جنگی داخلی را بشکلی پراسری برافروخت که تصور میکرد "سه روزه" تمام میشود. اما بسیا رزود به خطای خود پی برد

و آخرین برگ خود را رو کرد. جمهوری اسلامی تصور میکرد نتواند خمینیان را نجات دهد. و با حرکت درمی آورد که "گروهکها" در زیر آن متلاشی می شوند. اما مشت محکم خلق بردهاں رژیم و خمینی جنایتکار خواب خوش دژخیمان را بهم ریخت و فتوی خمینی، تبلیغات شبانه روزی، دستورات منتظری، قطعات مه ها و بیباکی ها در مدح - سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی - چگون

تفی سربالابه صورت رژیم افتاد. رژیم اینک در میا بد که "گروهکها" با خلق پیوندی ناگسستی یافته اند.

در میا بد که این بخشی از خلق است که میرز مدود دیگر بخشها را نیز بدنیال خود میکشاند. رژیم اینک در میا بد که خودبه گروهکی در مانده بدل شده است. رژیم اینک بیش از ۱۵۰ هزار نفر را به صورت اعلام شده به جوخ مرگ سپرده است و بیش از ۱۸۰ هزار زندانی سیاسی را در سیاهالهای خود محبوس نموده است. اما با ابعاد مبارزه روز بروز گسترش مییابد. ترورهای

انقلابی، نظا هرات، مصا دره انقلابی، حمله به مراکز سرکوب در سراسر کشور گسترش یافته است و به بهترین شکل خواری و زبونی رژیم را به نمایش نهاده است. بگذار جلادان رژیم نعره برآورند، بگذار دژخیمان در خون جوانان وطن غسل کنند، بگذار رنگی مست تیغ خود را دور سر بچرخاند، این آخرین تلاشهای اوست. مرگ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی فرارسیده است.

کرد، سرکوب و قتل عام خلق عرب، برنگبار بستن صفوف بیکاران، کشتن دهکده داران، اعدام دیوانه واران انقلابیون، سرکوب میادان انزلی و... گذشته است و تمامی خلق را در بر گرفته. اکنون رژیم جمهوری اسلامی در دریایی از خون شنا و راست توگویی جلادان جمهوری اسلامی را عطف سیری تا پذیر خون فرا گرفته است. اعدام در پی اعدام، کودت، جوان ۱۳ ساله، زن، حامله، جوانان بیگناه، دختر، پسر، پیر مرد، بدون محاکمه، بدون نام. رنگبار - های در پی می گرد، مسلسل های دژخیمان لحظه ای خاموش نمی ماند، شکنجه، ضرب و جرح، ترور و اینک اعدام در کوچمه و خیابان، اخراج و دستگیری، رنگبار به صفوف کارگران، رنگبار به صفوف انقلابیون، رنگبار بر روی توده ها، جلاد خون میریزد، خلق بیامی خیزد.

رژیم جمهوری اسلامی میکوشد به هر قیمت زندگی کثیف خود را تداوم بخشد و از آیترو فاشیستی ترین شیوه های سرکوب و اختیار کرده است و سرکوبگرترین مهره های خود را از آنان که باقی مانده اند - به میدان کشیده است. در میان این دژخیمان چهره "موسوی تبریزی - دادستان کل انقلاب" - اینک جای ویژه ای را بخود اختصاص داده است. موسوی که بحق میکوشد های جلاد دیوانه خلخال را در اذهمان توده ها اشغال کند و کراهت و سفاقتی بیش از لاجوردی و گیلانی را به نمایش نهد، سیاستهای ضد خلقی و چهره "ضدبشری رژیم را بخوبی و بصراحت کامل بیان میکند. او میگوید: "ما مورین انتظامی باید در برابر اینها با کمال قاطعیت - با ایستند... اگر اینها را دستگیر کردند دیگر معطل این نخواهند شد که چندین ماه اینها بخورند و بخوابند و بیت المال مصرف کنند. اینها محاکمه شان توی - خیابان است" "هرکس را در خیابان در درگیری و تظا هرات مبلجانده و آنگاه که پشت این اشرار مسلح قایم می شوند و اینها را تقویت و راه نمائی میکنند... بدون معطلی همان شب که دونفر پاسدار یا مردم شهادت دهند که آنها در درگیری بودند... کافی است همان شب اعدام خواهند شد." "یکی از احکام جمهوری اسلامی اینست که هر کسی در برابر این نظام او امام عادل مسلمین نایستد کشتن او واجب است." اسیرش را با بدکشت و زخمی اش را زخمی تر کرده کشته شود...

این سخنان ضدبشری حرفهائی است که با بدخولش تبلیغ کرد، با بدین حرفها را هزاران بار تکرار نمود، با بدینها بار نوشت با بدینها به گوش تمامی توده ها رساند. اینها سخنانی است که خود افشا کننده چهره "ضد خلقی رژیم است. رژیم که به بیمار، به زخمی، به زن حامله و بیهیچکس رحم نمی کند. اینها سخنان یک جلاد است. سخنانی که بخوبی حتی به

زمانی که عکسهای تیرباران رفقا در کردستان منتشر شد، نه تنها توده ها بلکه بسیاری از مدعیان پیشروی خلق نیز با ناباوری به مساله مینگریستند. عکسها گواه آن بود که رفیقان ما بر روی برانکار یعنی در آنجنان شرایطی که قادر به ایستادن نبوده اند، با پای شکسته و بر دوش یکدیگر... به جوخ های مرگ سپرده شده بودند. عکسها موجی از خشم و کین - اما با ناباوری - در توده ها برانگیخت. اگر هنوز رژیم از توهم توده ها برخوردار است. رژیم کوشید عکسها را جعلی و ساختگی قلمداد کند اما بهر روگوشای از چهره جلاد. نمایان گشته بود. مرگ رفقا، چون هر فدایی و رزمنده، دیگر راه خلق، مشعلی شد و راه انقلاب توده ها.

زمانی که اخبار کشتار قارناویس از آن ایندرفاش و دیگر روستاهای قهرمانپور کردستان پخش شد، چون طوفان در شهرهای مین پیچید. با زهر رژیم تلاش کرد جنایات خود را بیوشاند و دیگر گریبانش نیز کوشید این اعمال را به "باند های ضد انقلاب" و دستجات بورژوازی بزرگ و عنامر منفوری از حکومتگران نسبت دهند. اما زیاده های خشم و نفرت اینبار نیز فروغ تر و سرکش تر بود. اخبار قتل عام زن و کودک و پیر مرد و پیر زن و حتی حیوانات در - سوالات بسیاری برانگیخت. اما هنوز هم برخی میگفتند "اما خبر نداره"

آنگاه که اجساد رفقای ترکمن در کنار - های جاده پیدا شد، آتش شکنجه، ضرب و اعدام بدون محاکمه و... امواج خم خلق اینقدر گسترده ای یافت و در ترکمن صحرا به خون نشست. رژیم را سان در مددگتمان مساله برآمد، "فدائیان خلق ترکمن را آفرید تا فاجعه را بگیرند آنها ببیند از ما اما ابعاد جنایت بیش از آن بود که بتوان آنرا پوشیده نگاه داشت. دستهای خونین رژیم حتی در زیر عیای خمینی نیز پنهان نمیشد. توده ها در تجربه ای دیگر ماهیت ضد خلقی رژیم را لمس کردند.

اگر در ابتدا کشتار، قتل عام، سرپیدن زن و کودک، تجاوز، یورش مغول و ارتش - سوری و... عمدتا "در کردستان نبود، اگر در ابتدا توهم توده ها نسبت به رژیم به اوج امجال میداد تا تنگاه بیگناه سر بره خود را بیرون کشد و خلقی ستم دیده کارگرانی مبارز و انقلابیون جان برکف را به خون در غلتاند، و عده اتکای خود را بر توهمات خلق استوار نماید، اینک دیگر ذهنیات توده ها تغییر یافته است. اینک دیگر چهره "کریمه، کشتار و رگ و خونخسوار رژیم از پرده برداشته و آرزو محبور کرده است تا تعنا و تنتها بر سر نیزه، برکشتی و بر اعدام تکیه نماید.

اینک دیگر کشتارهای رژیم از جیب کشتار خلق ترکمن، در خون کشیدن خلق

هفته جنگ

هفته شکست سیاستهای فریبکارانه رژیم

پنجاه صفحه ۱

برای رفقای کارگر

بنگر، بنگر رفیق کارگر
به دستانت بنگر به زخم‌هایت
به خانه‌ات، به کودکت، به همسرت
رفیق کارگر بنگر و ببین
از برای چه در فقر زیستن
از برای چه با دردمانندن
رفیق کارگر بنگر و ببین
که خوگان، سرمایه‌داران
و مزدوران کیا ننسند؟
کاخ‌ها یشان گجا یند؟
برچه استوارنسد؟
رفیق کارگر
بنگر و ببین که اینان، این غارتگران
از چه یراب می‌شوند؟
از زخم‌که می‌نوشند
از چه روستما یده‌ار شده‌اند
آخراین زندان، این اعدام، این شگجه‌گاه
این خون پاک، که بر زمین می‌چکد
از برای چیست؟
خون پاک کرد
خون پاک ترکمن
رفیق کارگر تو، تو با یدبنگری به اجتماع
به مردگان، به تیرباران شدگان
رفیق کارگر تو با یدبنگری، با یدبنگری
و این همه چرا جواب دهی!
آری، با یدهمه را جواب دهی
رفیق از همدان ۶۰/۵/۲۴

شبان روزی هم نتوانست اهداف ضد مردمی خود را پیش برد و هفته جنگ با شکست کامل و عدم استقبال توده‌ها مواجه شد. توده‌ها در عمل نشان دادند که با پشتوانه تجارب یکساله خود به ما هیت ارتجاعی جنگ پی برده‌اند و در پیافته‌اند که جنگ ارتجاعی بالائیه‌ها برای آنان بجز فقر، ویرانی، گرانی، بیکاری، آوارگی و مرگ چیزی بهمراه ندارد. توده‌ها بدرستی به ماهیت ضد مردمی تمامی شعارهای رژیم در این رابطه پی برده‌اند.

توده‌ها در عمل و در تجارب روزمره خود می‌بینند و درک می‌کنند که جنگ دولتهای ایران و عراق جنگی است که پیروزی هیچک از طرفین دعوا، منافع توده‌ها را در بر ندارد. توده‌ها در عمل می‌بینند که شرکت در این جنگ، حتی به بهانه‌ها تحت پوشش دفاع از میهن و "مقابله با تجاوز" به معنی دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و تقویت آن است. رژیم می‌کند که تمامی دستاوردهای خلق را پایمال کرده است، رژیمی که فرزندان دلیر خلق را به خون کشیده است. رژیم سرکوبگری که در دو ماه بیش از ۱۵۰۰ نفر را اعدام کرده، کارگران را به گلوله می‌بندد، اخراج و دستگیری را در هر کارخانه براه انداخته، دانش آموزان را دستگیر، اعدام و تصفیه می‌کند، ساواک را با زسازی کرده، پاسداران و کمیته‌چی‌های مزدور را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط گردانیده رژیم می‌کند که تمامی خلقهای تحت ستم ایران را کشتار و سرکوب نموده است و جنگ داخلی را به توده‌ها تحمیل کرده است. رژیم می‌کند که تنها دستاوردش برای توده‌ها فقر، فلاکت، بی‌خانمانی، جنگ، کشتار و سرکوب بوده است. رژیم ضد خلقی که منافع سرمایه‌داران و زمینداران را پاسداری می‌کند و در جهت حفظ منافع امپریالیست‌ها گام بر میدارد.

توده‌ها می‌پرسند برای چه باید جنگید؟ برای حفظ آزادیهای موجود، برای حفظ شوراها، خلق، برای حفظ مسلح بودن توده‌ها، برای حفظ منابع طبیعی که از آن خلق است، برای حراست و پاسداری از زمانهای دمکراتیک توده‌ای، برای حفظ آزادی اعتصاب، تظاهرات، اجتماعتها و دیگر آزادیها، برای حفظ استقلال، کار، مسکن و آزادی و خلاصه برای میهن توده‌ها، برای چه باید جنگید؟ اینک که تمامی دستاوردهای قیام خلق پایمال شده است، اینک که رژیم ضد خلقی و سرکوبگر میهن حاکم است برای چه باید جنگید؟ و در اینجا است که بدرستی توده‌ها در عمل پاسخ خود را می‌یابند و جنگ ایران و عراق را دعوی

با "مدلیان تنهانها داند، و از این روست که علیرغم تبلیغات شبانه روزی رژیم، علیرغم تمامی کوششی که بکار برده میشود تا جنگ مسئله اول توده‌ها باشد، جنگ بیش از پیش به قرا موشی سپرده شده است. و اصل مسئله توده‌ها نیست، (حتی) برای آوارگان جنگی نیز مسائل اقتصادی و مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در درجه اول قرار دارد.

چنین مسئله‌ای برای رژیم بسیار گران تمام میشود زیرا یکی از اهداف اصلی تداوم جنگ و یکی از مهمترین دلایلی که رژیم جمهوری اسلامی آتش جنگ با عراق را روشن نگاه داشته است توجه توده‌ها به مسئله جنگ و جلوگیری از رشد مبارزات آنان به بهانه درگیری در "جنگ میهنی" است. از این رژیم مجبور به روی صحنه آوردن نما یشتا مه، مضحک هفته جنگ گشت اهداف اصلی برگزاری این مراسم را میتوان بشکل زیر برشمرد:

تجدیدتث شوینیم که در ابتهای جنگ ایران و عراق توده‌ها را فرا گرفت اما سرعت فروکش نمود و اینک اثری از آن باقی نیست، مطوف نمودن افکار توده‌ها به مسئله جنگ و در نتیجه جلوگیری از شکل گیری و رشد اعتراضات و مبارزات خلق، توجه وضعیت ورشکسته اقتصادی که نتیجه مستقیم سیاستهای ضد خلقی رژیم است از به بهانه ادایه جنگ که در این رابطه رژیم تمامی نیروی خود را بیکار گرفت تا کمبود ما بحتاج عمومی، فقر، کاهش دستمزدها، حذف مزایا، تورم و... را تا ما "جزو نتایج جنگ قلمداد کند" هر چند در این صورت همه باید برسید این جنگ ارتجاعی که خواسته توده‌ها نیست به سود چه کسانی تداوم مییابد.

در جنب این علل اصلی رژیم سعی داشت بهره برداری های دیگری نیز از هفته جنگ بعمل آورد که از آن جمله اند:

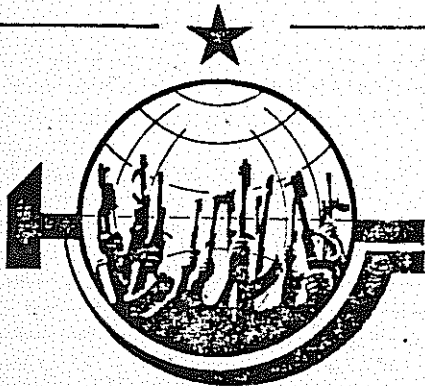
تبلیغ بر روی ارگانهای سرکوبگر و ضد خلقی رژیم و قهرمان جلوه دادن آنان جهت تطهیرشان. مثلاً رژیم اینک بدرستی میدانند سپاه پاسداران تا چه حد منفور توده‌هاست و این بعلت نقش مسلط سپاه در سرکوب خلق و مبارزین است و از این طریق میخواهد سپاه را نهادی انقلابی و خلقی جلوه دهد. تبلیغ مجدد شعارهای ارتجاعی چون "افزایش تولید در خدمت جنگ" که در حقیقت همان افزایش تولید در خدمت سرمایه‌داران است. و در نهایت نیز باید گفت رژیم بشکلی جنینی از برگزاری هفته جنگ قصد بهره برداری جهت برگزاری انتخابات را نیز داشت. بهر رژیم حتی با ضرب و زور برگزاری رژه و راهپیمایی و نیز نیروی تبلیغات



اعتلای جنبش رهائیبخش خلقهای آمریکای مرکزی و توطئه های امپریالیسم آمریکا (۲)

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



ساختمانی به نام "مرکز ارتباطات منطقه ای" قرار دارد. و کلیه عملیات توسط ما موران محلی سازمان جاسوسی سیا و کارگردانان جمهوری گواتمالا اداره میگردد. قربانیان این ترورها از میان رهبران کارگری، دانشجویان، روزنامه نگاران، معلمان، اعضای فعال سندیکاها و کشاورزان و حتی رهبران اپوزیسیون میان راه و نظیر مکررات مسیحی ها و سوسیال دمکراتها، میباشند. جوترو و اخناتق آنچنان است که حتی معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز نمی تواند آنرا تکذیب کند. و مزورانه میگوید: "بیدالتی های سیاسی و اجتماعی در این کشور یک سنت است و کمونیستها تصددا رندتا از این سنت سوء استفاده نمایند."

بهدورترین زاندار منطقه:

طی ۱۸ سال گذشته حکومت این کشور در دست نظامیان بوده است و پولیکاریو - بازرگاریا رئیس جمهور فعلی این کشور، ژنرال دانم الخمری است که از هم اکنون از سوی مجلس موسان برای انتخابات ریاست جمهوری آینده که قرار است در سال آتی برگزار شود، گاندیدا شده است. این کشور با ۱۱۲ هزار کیلومتر مربع وسعت از اهمیت اقتصادی خاصی برای امپریالیسم آمریکا برخوردار است. زیرا تمامی زمین قابل کشت آن در اختیار دو شرکت "یونایتد براندز" و "استاندارد فووت (بزرگترین انحصارات آمریکایی تولید کننده میوه) قرار دارد. و به دلیل همین اهمیت اقتصادی است که این کشور را لحاظ حجم کمک اقتصادی دریافتی از آمریکا، دومین کشور آمریکا مرکزی میباشند. کمک اقتصادی آمریکا به این کشور در سال ۱۹۸۱، ۲۳ میلیون دلار میباشند که در سال ۱۹۸۲ تا ۲۹ میلیون دلار هم افزایش خواهد یافت. از "برکت" این کمکهای اقتصادی است که ایس

بقیه در صفحه ۸

گواتمالا

در سال ۱۹۵۰، یک دولت رفرفریستی برهبری سرهنگ جاکوب آربنز، در ایس کشور بر سر کار آمد که پس از ۴ سال توسط سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" به بیانه "کمونیست" بودن سرنگون شد. از آن پس، حکومت در این کشور ۷۰ میلیون که ۸۰٪ کودکان آن دچار سوء تغذیه هستند و ۹۰٪ روستایان آن بی سوادند، در دست نظامیان بوده است. در اکثر انتخابات ساختگی که طی این مدت در این کشور برگزار شده است، عموماً "وزیر دفاع بعنوان رئیس جمهور بعدی انتخاب شده است. و هم اکنون نیز همه حتی شخص رئیس جمهور رمنو لوکاس کارسیا از وزیر دفاع فعلی یعنی ژنرال آبنال گوئوارا بعنوان کسی که احتمالاً در انتخابات به آینده به مقام ریاست جمهوری خواهد رسید، نام میبرند. شمره ۲۷ سال حکومت نظامیان بر این کشور نخست آن است که ارتش این کشور مجهزترین و ورزیده ترین ارتش در منطقه است و دوم آن که بنا به گزارشات سازمان "عفو بین الملل" (A.T)، حقوق بشر در این کشور به وحشیانه ترین و آشکارترین نحو ممکن زیر پا گذاشته میشود.

این کشور کوچک آمریکای مرکزی از اهمیت اقتصادی خاصی برای امپریالیسم آمریکا برخوردار است. گواتمالا طی دهه اخیر، ۸۱٪ سرمایه گذاری های آمریکا در این منطقه را به خود اختصاص داده است. این کشور همچنین دارای منابع نفتی بسیاری است و دو تراست نفتی آمریکا (نگزاکو و آموکو) در پی ۶۰ درصد کشفیات خویش اخیراً اعلام نموده اند که گواتمالا به زودی قادر خواهد بود تا ۱۰٪ نفتی آمریکا را تامین نماید. همچنین بیش از ۱۹۳ شرکت و کارخانه با سرمایه های تمام آمریکا بی در گواتمالا وجود دارد.

تولیدات اصلی این کشور قهوه، پنبه و نیشکر است و اکثریت کارگران مزارع سرخپوستها و لادینوها (دورگه های سرخپوست) تشکیل میدهند. تعداد دسکنه بومی در این کشور بیش از ۴ میلیون است. و اینان از هر گونه حقوق ملی محرومند. بهترین عامل کندی بودن مبارزات توده ها در این کشور، تفرقه موجود میان دو قوم سرخپوستها و لادینوها بود که این تفرقه اکنون در حال از میان رفتن است. و نمونه آن اعتماد ۷۵ هزار رنفری کارگران کشاورزی (از زهره قوم مدکور) است که در فوریه ۱۹۸۰، به افزایش حقوق روزانه کارگران کشاورزی از ۱/۲۰ دلار به ۳/۲۰ دلار آنها مید. چهار گروه چپ انقلابی، "حزب کارگران

گواتمالا" (P.C.T)، "نیروهای مسلح شورشی" (F.O.R)، "ارتش چریکی تهیدستان" (E.G.P) و "سازمان انقلابی خلق مسلح" (O.R.P.A) هر یک در بخشی از کشور دارای نفوذ بیشتری هستند و رویهمرفته بیش از نیمی از خاک کشور منجمله مهمترین مناطق اقتصادی را زیر پوش خود درآوردند. با تلفیق هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه چریکهای انقلابی با سایر اشکال مبارزات توده ای و نیز در پی آوردن داوطلبانه بومیان به مبارزه مسلحانه، ضرورت یک اتحاد وسیع میان نیروهای انقلابی، هر چه بیشتر آشکار شد. در ژانویه ۱۹۸۱، چهار سازمان فوق با بزرگترین سندیکای کارگران کشاورزی یعنی "کمیس کارگران کشاورزی" (C.O.C) و "جبهه خلقی" (۳۱ ژانویه) (F.O.P) (این نام به یاد دینو ۳۱ ژانویه ۱۹۸۰ و کشتار فوجی از کارگران کشاورزی و دانشجویان بدست ارتش، برای این جبهه نهاده شده) را تشکیل دادند.

تصادفاً طی این جبهه "سازماندهی توده ها در جهت جنگ انقلابی خلق" آماده سازی آنها برای قیام در شرایط ترور "علامه" از سوی دیگر ۱۵۰ سازمان دمکراتیک این کشور نیز مست نام "جبهه دمکراتیک علیه سرکوب" (F.O.C) و وحدت نموده و اخیراً "رسم" اعلام شده اند که: "برای ما کار ملایر و روش است که هیچ راه حل مسالمت آمیزی وجود ندارد". در چنین شرایطی که می رود تا اوضاع سیاسی - اجتماعی هر روز بحرانی تر گردد، امپریالیسم آمریکا نیز از هر دو بهره باندهای سیا و ارتش برای سرکوب و متوقف ساختن نیروهای انقلابی بهره می جوید.

گواتمالا نیز در سال ۱۹۷۷، جزو آن دسته از کشورهایی بود که فروش جنگ افزار از سوی آمریکا به آنها بظاهر قطع شد. اما این کشور طی چهار سال، از کانال "سراشیل" - آرژانتین و اسپانیا بیش از ۲۷۰ میلیون دلار کارهای نظامی، ابزار و غیره مستقیم از آمریکا خریداری نمود. در سال ۱۹۸۱، با بحرانی شدن اوضاع منطقه، آمریکا حتی با افزایش "تحریم فروش جنگ افزار" را نیز یکتا رها کرد و دولت ریگان با طرح مسئله "کنترل امنیت منطقه" خود بطور مستقیم ارسال اسلحه به گواتمالا را از سر گرفت. ارتش گواتمالا که فویترین ارتش منطقه است تنها طی عمده اخیر بیش از ۵/۷ میلیون دلار اسلحه از آمریکا خریداری نموده است.

از سوی دیگر، با بندهای سیا و نیروسیا در سرکوب انقلابیون شرکت میجوید. طی ۱۵ سال اخیر بیش از ۲۵ هزار رنفر در این کشور ترور شده اند و این رقم طی ماههای اخیر به روزانه بیش از ۴۰ نفر بالغ گردیده است. مرکز فرماندهی عملیات با بندهای سیا و در

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

اعتلای جنبش رهائیدهنش خلقهای...

صفحه ۷ از صفحه ۷

این کشور که در ضمن بزرگترین صادرکننده موز نیز در جهان میباشد، پس از کشورهای ایتالیایی برای باستان در آذربایجان نیز مکرر غریب است.

از سوی دیگر، این کشور به دلیل واقع شدن در میان سه کشور نیکی را گوته، السالوا دور و گواتمالا، از اهمیت استراتژیک خاصی نیز برخوردار است و تنها طی سال ۱۹۸۱ بیش از ۵/۵ میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت کرده است که این مقدار برابر است با کل کمک نظامی آمریکا به این کشور طی سالهای ۷۹ - ۱۹۵۰، در سال مالی ۱۹۸۲ - کمک نظامی آمریکا به این کشور دو برابر خواهد شد.

ایر کشور که در سال ۱۹۵۴، نیز مرکز فرماندهی عملیات سرنگری دولت فرمی آریز در گواتمالا بود، اکنون مجدداً از سوی آمریکا بعنوان زاندا رمن منطقه آمریکای مرکزی سرکزیده شده و وظیفه دزدان آسویبی با ارتش السالوا در در زمینه سرکوب چریکهای انقلابی حکماری نماید، و از سوی دیگر دولت انقلابی نیکی را گوته را تحت فشار قرار دهد. هندوراس که طی ۱۱ سال اخیر، در پی جنگ شوره با السالوا در سال ۱۹۶۹، تمامی روابط سیاسی و تجاری اش را با این کشور قطع کرده بود، در سال ۱۹۸۰، با شروع مبارزات جبهه رهائیدهنش ملی فارا - بوندومارتی در السالوا دور ناگهان - تصمیم میگردد تا با خصم دیرین یعنی دولت نظامی السالوا دور به مذاکره بپردازد. این مذاکرات که موضوع آن عملیات مشترک

ارتش دو کشور به منظور سرکوب انقلابیون السالوا دوری بود پس از ۵ ماه با موفقیت کامل به پایان رسید. و در پی آن تهاجمات ارتش دو کشور، از دوسو به انقلابیون و آوارگان السالوا دوری که در منطقه طرف اطراف مرز دو کشور مستقر بودند، آغاز شد. و این تهاجمات تاکنون هزاران گشته برجای نهاده. در حال حاضر، فرماندهان ارتش این دو کشور، هر یک شش در شهری واقع در مرز میان دو کشور یکدیگر را ملاقات کرده و مذاکراتی در زمینه هماهنگسازی عملیات هفتگی انجام میدهند.

ارتش هندوراس از سوی دیگر وظیفه - دارد تا بمنظور تضعیف دولت انقلابی نیکی را گوته خطر درگیری را بطور دائم در مرز هندوراس - نیکی را گوته افزایش دهد. بدین منظور اخیراً "قانونی در هندوراس بتصویب رسیده که به موجب آن اولاً اجازه انجام عملیات در خارج خاک کشور به ارتش داده شده و نیز ارتش مجاز است تا از میان افراد خارجی عضوگیری نماید. همگنون اعضای گارد سابق سوموزا رسماً به خرج دولت هندوراس - را سوازل محل کمکهای نظامی آمریکا تسلیم میگرددند و در خاک هندوراس تسلیم می بینند. همچنین دولت هندوراس اخیراً اعلام نموده که از هیچ کمکی به اعضای گارد سابق سوموزا در راه آزادسازی میهنشان دریغ نخواهد کرد. البته دولت هندوراس از دو جهت، این چنین "خبرخواهان خود را درگیر مسئله نیکی را گوته میبازد، نخست آن که این خطر بزرگ برای آراش منطقه را از میان بردارد و دوم آنکه با درگیر شدن در یک جنگ مرزی، موضوع کناره رفتن ارتش از راس حکومت را با زحمات مدتی به تعویق اندازد.

آمریکا که از سوی از به خطرات فادان منافع اش در آمریکا مرکزی و از سوی دیگر از احتمال توسعه دامنه مبارزات تا آمریکا

جنوبی سخت در هراس است، اکنون هندوراس یعنی یکی از "آرام ترین کشورهای آمریکا مرکزی را بعنوان زاندا رمن منطقه بر میگرداند و در مدد است تا این کشور را به یگانگی برای حفاظت از منافع خویش و مقری برای فرماندهی تمامی ارتشهای مزدور منطقه در جهت مبارزات او جگیرنده توده ها سدل سازد.

علیرغم توطئه امپریالیسم، مبارزات او جگیرنده توده های انقلابی آمریکای مرکزی همراه با همبستگی بین المللی و بخصوص کمکهای بیدریغ خلقهای قهرمان کوبا و نیکی را گوته به خلقهای این منطقه ادامه خواهد یافت و دیر نخواهد بود که بوره رژیمهای ضد خلقی را با خاک بمانند. تجربه تاریخی در این منطقه از جهان ثابت کرده است که امپریالیسم آمریکا با تمام تمهیدات جنایتکارانه اش در مقابل جنبش توفنده خلقهای السالوا دور، گواتمالا - که هر روز ضربات کاری بر پیکر رژیمهای دست نشانده این منطقه وارد میآورد، تاب تحمل نخواهد آورد و زاندا رمنهای نظیر هندوراس نیز نخواهند توانست، این رژیمهای ضد خلقی را از سقوط حتمی نجات دهند. چه بسا که خود زاندا رمنها و چنانکه در مورد ایران دیدیم قبل از آنکه بتوانند کاری صورت دهند خود دستخوش قهران انقلابی جنبش توده ها گردند.

اگر پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ نقطه آغاز جنبش رهائی بخش آمریکای مرکزی و جنوبی بود، موفقیت خلق نیکی را گوته در سرنگونی دیکتاتور سوموزا در سال ۱۹۷۹ و پیروزیهای جنبشهای انقلابی در السالوا دور و گواتمالا، رهائی قریب الوقوع همه خلقهای آمریکای مرکزی را از سلطه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و یگانگیهای داخلی نوید میدهد.

با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید

م سعید سلطانی	۲۵۵۶	ق	۲۲۲۲	ل	حمید اشرف ۳۰۰۰	۲	ب	۲۲۵۲	۵	۵۰۶۶	۵۰۰۰
۱۰۰۰	۲۱۲۵	ف	۹۶۶۵	ب	نگار ۲۰۰۰	۳	ب	۵۰۶۶	۵۰۰۰	۱۳۱۵	۲۲۴۹
سال حرجیمی ۵۰۰	۲۱۱۵	م	۵۵۵۵	ه				۳۰۰	۵۲۵۰		
نا صرگرمی ۱۵۰۰	۲۹۹۹	ع	۶۶۶۶	خ	آمل ج ۱۷۱۵						
گودرز همدانی ۱۰۰۰	۴۴۴۴	ف	۲۱۱۱	ت	رها ۱۱۱۱						
تورچا شتری ۵۰۰	۱۲۲۲	ج	۱۶۱۵	م	نازی ۵۰۰						
هنرستان شاره ۱۵۰۰	۱۱۱۱	ف	۲۱۵۵	م	مریم ۵۰۰						
یک ۱۵۰۰	۱۷۷۷	ح	۱۲۰۰	ب	رفیق شهید فرزاد صیامی ۵۳۵۰						
آرمان خلق ۳۰۰۰	۱۹۵۶	ع	۳۳۳۰	م	رفقای خرم آباد ۲۵۰۰						
رفیق شهید حمیدرضا ۱۰۰۰	۱۱۰۰	ز	۱۰۱۱	-	رفقای کرج ۱۱۱۶						
ما هیگبر ۱۰۰۰۰	۷۰۰	ب	۲۵۰۰	ش	و ۴۵۲۰						
هما یون کتیرا شی ۱۰۰۰	۵۲۲	ه	۵۲۲	م	رفقای نیروی هوایی ۵۰۰۰						
ر ۵۰۰۵	۱۰۰۰	ب	۱۱۲۵	الف	رفقای درود ۴۰۱						
نا صرفتوتی ۱۰۰۰	۱۰۰	ر	۱۱۲۵	ت	رفقای ل ۱۳۱۱						
ع ۱۰۲۴	۲۳۵	م	۱۲۴۵	ل	رفیق شهید گوینز همدانی ۱۱۱۲						
رفیقا رک رک ۴۲۲	۶۳۵	م	۱۱۲۲	ت	الف ۲۳۲۸						
ح ۱۱۰۰	۱۰۱۷	م	۲۱۵۴	م	ص ۲۶۲۱						
ر ۵۰۰	۱۰۱۷	م	۲۱۵۴	م							
کا رگرم - ل ۵۰۰۰	۵۰۰	ب	۱۰۰۰	ش							
ه ۵۰۰۱	۳۱۲۳	ی	۲۵۰۲	الف							
ب ۲۵۰	۱۱۱۱	ی	۷۵۴	م							

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



یک ارزیابی کوتاه از ذهنیت حاکم بر توده‌ها (۲)

مرداد ۱۳۶۰

علیرغم موج وسیع تبلیغاتی که رژیم بکار گرفته و بخصوص در مورد یکدست شدن رژیم و مکتبی بودن دولت و... فریاد می‌آگشته توده‌ها اعتماد خود را بشکلی کامل از رژیم برگرفته اند. در مورد کا بنه با هنر اروپاست جمهوری‌جاتی (پیش از مرگشان) - میتوان گفت که توده‌ها بدستی میدادند که اینها نیز از "همان قماش قبلی‌ها" هستند و "تافته جدا بافته‌ای نیستند" در مورد با هنر کارگری در یکی از کارخانجات تهران می‌گفت: "این هم مثل همانهاست. عرض همان هر کدام آمدند بنگاه ما از - های ما رسیدند که این یکی برسد. و در مورد رجائی درصفت‌ها نزن زحمتکشی می‌گفت: "دیدید رجائی تنوی تلویزیون حرف می‌زد و میگفت خیلی ممنون مردم شریف که بمن رای دادند توده ۱۴ میلیون رای‌اش مینا زید و "آفاه کرد" اینها همه اش کلاه - شرعی و دروغ است اینها خودشان تنوی مجلس رئیس جمهور را انتخاب کرده اند. او در پاسی یکی از زینا نیکه می‌گفت "شاید رجائی خوب باشد. لااکی صبر کنید" جواب داد - "این هم مثل دیگران است. مثل بنی‌صدر آمریکا تنی در میآید. اینهم مثل بقیه بیدرد طبقه پائین نمی‌رسد زین زحمتکش دیگری می‌گفت "سه سال است همه اش وعده وعده داده اند. حالا دیگر هیچکس حرفشان را باور نمی‌کند. مردم دیگر خسته شده اند" و در یک مجلسی که چند نفر از اقلیت مذهبی (بها بی) بودند زنی می‌گفت "این رجائی پدر سوخته از بنی صدر سوخته تروپی شرف تراست و اوضاع را خرابتر میکند".

پدیده مهمی که در زابطه با ورشکستگی اسی رژیم در نزد توده‌ها ایجاد شده و رو به است فریب‌ناشی تفوق ایدئولوژیک رژیم است. با کتا رفتن پرده‌ها و در پرده شدن - ماسک‌ها و با رشد تفا‌ها، چهره واقعی رژیم و بخصوص خمینی عریان شده است. همین امر باعث شده رهبری ایدئولوژیک خمینی در نزد توده‌ها بشدت خدشه دار گردد. دیگری کلمات و جملات فریبنده‌ای چون "مکتب"، "تعهد"، "اسلام"، "مبارزه مکتبی با امپریالیسم" و... تا ثیری ندارد. دیگر فتوای مذهبی و محضورات شرعی ایجاد شده از سوی خمینی توده‌های میلیونی را بحرکت در نمی‌آورد و حتی خرافات و کهنه پرستی نیز در گنبار رشد آگاهی توده‌ها و همراه با ارتقاء - مبارزاتشان بشدت ضربه خورده و میخورد. این مساله از اهمیت بسیاری برخوردار است از سویی زمینه تبلیغی مساعذتری - جهت نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها فراهم می‌آورد و از سوی دیگر جو خد کمونیستی را به شدت میشکند و از اینرو با پدنه تنها از نظر تاکتیکی بلکه در وجه استراتژیک آن مورد توجه قرار گیرد.

"میگفتند نفت ما در نمی‌کنیم. حالانفست مون را میفروشند و با آن گلوله می‌خرند و سینه جوانها یمن را سوراخ سوراخ می‌کنند. یک سرباز نیروی هوایی در اتوبوس خط ۸۹ تهران می‌گفت: "مردم فکر میکردند که اینها انقلابی هستند و به خواستهایشان رسیدگی میشود. ولی وقتی دیدند هیچ - خبری نیست، آن توها تنی که داشتند از - بین رفت. "کا رگرمنا بیع قلزی می‌گفت: "من نزدیک یکماه است نه نمازم میخوانم و نه مسلمان هستم. از اسلام برگشته‌ام. گفتم چرا؟ جواب داد: "با اینها همیشه به طریق مذهب حکومت میکنند. بدرسک میگوید وظیفه شرعی است. نماز قبول - نیست اگر در انتخابات شرکت نکنی." مرد زحمتکش دیگری اظهار میداشت: "آدم‌ها یه خیلی احمق باشده در این ۲ سال نفهمیده باشده جریان چیه و بیاید دروزه بگیره. نه تنها روزه بگیره بلکه بچه‌ها شوهم مجبور کنند که روزه بگیرن. میدونی روزی چندتا عدا - می‌کنند؟ زن حالمه - دختر ۱۳ ساله ... کارها تنی میکنند که شاه هم نکرده بود. این خمینی همه را فریب داد. خوب تو نیست مردم را گول بزندی. تنی محله ما چندتا مسجد ساخته اند که اصلا لازم نبود. ولی یک بیمارستان، یک درمانگاه، یک مدرسه نماختند که مردم در آن آسایش داشته باشند. "پیر مردی در یک تاکسی بعد از نشیندن جمله: "از ما حرکت از خدا برکت برآفته و عصبانی گف: "گدا م خدا، گدا م برکت!؟ مگر خدائی هم وجود دارد؟! کارگری از شهرک صنعتی البرز در یک جمع خانوادگی می‌گفت: "من تا دو سال پیش نماز و روزه ام سر جایش بود. دین و عبادت ام سر جایش بود ولی حالا دیگر نه اگر اسلام ایسه که نمی‌خوام، اسلام اینها و من نمی‌خوام. این کجا اسلامه چه دختر ۱۵ ساله را بکشند".

شوتلویزیونی "ما در و فرزند" نیز بهم خود از یک سو در فروریختن اعتماد توده‌ها نسبت به حاکمیت و از سوی دیگر تشدید موج تنفروا برا زخمش و استهزاء نسبت به حاکمیت و گردانندگان شوتلویزیون نقش داشته است. حتی مردم عادی و بیسواد نیز آثرا یک نمایش میخرد "می‌ماندند. بجزرات میتوان گفت که "نمایش فوق را هیچکس باور نکرده است. نقل قولهای زیر بیابانگر این حقیقت است: یک ما در زحمتکش فقیر: "هیچوقت ما دری - حاضر نمی‌شود فرزندش را لوبدهد. این نمایش دروغ بود. "یک مادر - زحمتکش: "هیج - ما دری دلش اینقدر سنگ نیست که چند لحظه قبل از اعدا فرزندش این چنین بی‌خیال باشد. "یک پدر زحمتکش: "اصلا معلوم - بود این زنیکه صحبتها را حفظ کرده. چون مثل بلبل داشت حرف می‌زد و آن مرتیکه سه‌ماه هم الکی گریه میکرد. "یک بستنی فروش ۳۲ ساله: "همه اش دروغ بود. چون این

ها در اخبار میگویند که پسر از تمام اعتقاد - نشان دفا. ع کرده ولی از طرف دیگر نویسه کرده، و گریه‌زاری کرده... اگر توبه کرده چرا اعدا مش کردند؟! "یک مادر - سه‌ماه زحمتکش: "اگر آن زنیکه را گیر بیایم، روم، تنیکه بزرگش گوشش خواهد بود. "یک خانم - خانه دار: "فکر نمی‌کنم درست باشد. این یک نمازش بود. اگر هم راست باشد حتما - نا ما دریش بوده چون یک ما در غیر ممکن است این کار را بکند. "وبیا عصا نیت انزید! اگر اینجا بود رویش تنف می‌کردم."

۴- توده‌ها، نیروهای انقلابی و وحدت:

توده‌ها در مقابل دشمن سرکوبگر و در مقابل کشتار، اعدا موخفان بشدت وحدت طلب گشته اند. هر چند گرایشات وحدت - طلبانه توده‌ها طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد - از گرایشات انحرافی تا گرایشات کاملاً صحیح - اما به صورت خواسته غالب توده‌ها وحدت نیروهاست. در این مورد در برخی از سخنان با قیما نده دید غیر طبقاتی از وحدت که خمینی تبلیغ میکرد با قیست مثلاً "را ننده گرایه‌ای می‌گفت "با پیدا تهاداشته باشیم. با یددل وزبان ما یکی باشد" و یا کارگری می‌گفت "تا زمانیکه ما سرکار می‌آشیم این رژیم با بر جاست اگر می‌بینی الان عصاب نمی‌شود علتش چند دستگی بین مردم است یکی حزب اللهی است و دیگری - مجاهدات و آن یکی توده‌ای ما فدایی اگر این چند دستگی‌ها از بین برود بزودی ما کار نکردن ما رژیم از بین میرود. چطور که آن قبلی با همه عظمت از بین رفت" اما عدم استقبال توده‌ها - در وجه غالب - از اختلاف مجاهدین با بنی صدر نشان میدهد که در گرایش عمده توده‌ها بخوبی صاف دوستان و دشمنان خود را از یکدیگر جدا می‌کنند. در این رابطه عمده ترین گرایش وحدت طلبانه موجود بر نزدیکی - با زمان ما و مجاهدین تا کید دارد. دونقل قول زیر در بسیاری از موازات تکرار شده است "اگر - مجاهدین با بنی صدر یکی نمیشدند بهتر بود، آخر این بنی‌صدر هم ز همین قماش است و کارگری که دانش سیاسی چندانی نداشت می‌گفت "اگر فدائیان با اینها (مجاهدین) یکی شوند وضع درست میشود در غیر این صورت مجاهدین به تنهایی نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. چون این فدا ثیها بودند که رای ندادند".

در رابطه با نیروهای سیاسی هر چند در برخی موارد برآورد های غیر واقع بینانه - ای وجود دارد که در صورت تعمیم به حذف نقش توده‌ها می‌انجامد اما در کل توده‌ها

بقیه در صفحه ۱۸

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

حرم آباد

چهارشنبه ۶/۶/۶۰ در تاریخ ۶۰/۶/۶۰ اوباشان حزب آللهی فردی بنام احمدیستامی را که از هواداران اکثریت بودند دستگیر و پس از شکنجه و ضرب و شتم او را در میدان شهدای این شهر به طسوز جیبی در انظار مردم و با شلیک چند گلوله - کلت در مغزش کشتند. رژیم جمهوری اسلامی تا کنون شان داده است که حتی به خادمین بی جیره و مواجب خود هم رحم نمی کند و این امری روشن و بدیهی و موارد متعددی از این قبیل تا کنون داشته ایم اما این توده های های جوان گویا قسم خورده اند که هر جا با دهنورد سر و دهنواره مجیزگوئی قدرت حاکم باشند رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از انشای اخبار مبارزات خلق توسط رانندگان تاکسی تاکسی تصمیم گرفته از رانندگان تاکسی امتحان آیدئولوژی بعمل آورد اما تنها رانندگان با مصلحتگویی (بخوان مزدور رژیم) حق تا سر نمی داشته باشند که چه تاکنون رژیم با سواخ ترغیبها و حیلها متوسل شده تا از رشد و گسترش مبارزات توده های جلوگیری نماید اما این شیوه ها نه تنها تاکنون بی موفقیت برای رژیم توأم نبوده بلکه بیش از پیش آنان را رسوا کرده است.

در تاریخ ۶/۶/۶۰ بعد از اخراج گسترده کارگران آگاه و مبارزان سرایران ۱۶ تن از کارگران کارخانه پوشاک را اخراج کردند. رئیس کارخانه برای جلوگیری از اعتراض سایر کارگران، سعی می کند از تماس کارگران اخراجی با سایر کارگران جلوگیری بعمل آورد. کارگران اخراج شده بعنوان اعتراضی تجمع کرده و خواستار اعلام علل اخراج خود از کارخانه می شوند. رئیس مزدور کارخانه میگوید شما هوادار گروهک های آمریکایی هستید! اکثر کارگران کارخانه نسبت به این امر اعتراض دارند اما از آنجا که مشکل نیستند نتوانستند حرکت اعتراضی موثری صورت دهند.

زنجان

یکی از اهالی ابهر در تاریخ ۶۰/۶/۶۰ به پمپ بنزین مراجعه کرده و با ارائه کوبین ۲۰ لتری ۲۵ لیتر بنزین زده و بقیه را در پمپ کوچکی میریزد. مردی ریشوبه این امر اعتراض سنگین داشته به این اعتراض وقتی نمی نهد و تصمیم به حرکت میگیرد در پوشوگارت شناسایی خود را نشان می دهد. معلوم میشود که رئیس سپاه پاسداران میانهاست و سپس کلت خود را در آورده و چاقو چرخ ماشین را سوراخ میکند. با شنیدن صدای گلوله مردم جمع شده و به این امر اعتراض میکنند. یکی از حاضرین میگفت: از زاریها و آهسها با آنها متوجه تا چوستاره این کار را نمی کردند، یکی دیگر که مردمی نسالی بود - گفت: بگدا را ز قدرتشان استفاده نکنند وقت آن خواهد رسید که خلق هم ز قدرتش استفاده کنند.

نهیست سوادآموزی ابهر برای انتخاب معلم برای بیسوادان از سرایران که قبلاً از کلاس آیدئولوژی اسلامی موسیقی بیرون آمده اند اما متعانی ترشیب میدهد که سئوالات آن به این شرح است:

- ۱- سخن در باب جاسوسی از خمینی بسز با لای طلمه بود جاسوسی یکی از اصول اسلام است (اما خمینی) ۲- ۵ نفر از ضد انقلابیون (گروهکها) کوچک خودتان را معرفی کنید.

اخبار شهرستانها

۲- چند نفر ضد انقلاب در خانه تان هست
۳- آیا از افراد حزب الله در منزلتان هست
۴- در هر محیطی که آشنا هستید چند ضد انقلاب را معرفی کنید
۵- آیا خواهر یا برادری دارید که الحادی فکر کنند
۶- نظرتان را راجع به ترورها بنویسید
۷- همه شرکت کنندگان از این سئوالات عصبانی بودند و یکی از جوابها چنین بوده: یک برادر ما هه اشته که ضد انقلاب بود ولی متأسفانه عمرش را داده اما م.
۸- موج دستگیریهایی بعد از گسترده ای یافته است تا آنجا که سپاه پاسداران مجبور شده زندانیان را به هتل بیمه منتقل نماید. حتی زندان شهر بانی معلو از زندانیان سیاسی است. اما از آنجا که ظرفیتی برای دستگیریهایی جدیدی نمی مانده است - اخیراً عده ای را با این شرط که هر روز به سپاه مراجعه و خود را معرفی کنند آزاد کرده اند.

قسمتی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه بروجرد در رابطه با شهادت ۷ رزمنده خلق ۲ فدائی خلق او ۵ مجاهد خلق

خلقیهای قهرمان جهان در طول حیات مبارزاتشان برای رهایی از قید هرگونه ستم، استعمار و بندگی مردان و زنان - بزرگی را از دست داده اند و لحظاتی حساس و گرانبهای را از سر گذارنده اند، - لحظاتی که بحق دوران سازوبرای سرنوشت انقلاب حکم مرگ و زندگی را داشته است، لحظاتی که انقلابیون با یسرنوشت نهایی خویش را با دستهای خود رقم میزنند، لحظاتی که مبارزین باید از این دوران یکی را انتخاب کنند، مرگ سرخ؟ یا زندگی ننگین؟ نیمه های شب ۱۵ شهریور در چنین لحظاتی بود که مبارزین جان برکف فدائی و مجاهد با سرود سرخهای و با فریاد "مرگ بسز امپریالیسم"، "زنده با خلق"، "زنده با انقلاب مرگ سرخ را جان خریدند و ننگ و نفرت را از زانی دژخیمان کردند.

آری دژخیمان و مرتجعین جمهوری اسلامی که ننگ و نفرت بر آنان باد، با مداد ۱۵ شهریور ۶۰ هفت گل دیگر از گلستان رزم خلق ریوندند و با ریختن خون آنها درخت انقلاب را بارورتر کردند. آنها خون پاک و فدائی خلق، رفقا حمیدرضا ما هیگرونا سر فتوتی به همراه پنج رزمنده مجاهد، مسعود ربیسی، جها نگیر فلاحی، شهنا ز سعیدی، مادیقی و بهروز بی غم را در حالی بر زمین ریختند که بهوسیدگی حکومتشان بر همگان روشن شده است و با این حرکت سنگینشان ضربه

دیگری بر بیکر لرزان خویش وارد ساختند، چرا که خون سرخ فدائیان و مجاهدین و دیگر رزمندگان خلق پیام آورهای بی و مشعل فروزانی است در دست تمامی کسانی که قلبشان برای رهایی کارگران و زحمت کشان می تپد. بی شک هر قطره خون آنها پتکی خواهد شد در دست کارگران و داسی خواهد شد در دست بزرگان تا بسا زندجهان روشن فردا را، جهایی که در آن جنگ، - کشتار، ویرانی و امپریالیسم جای خود را به صلح، دوستی، آزادی و سوسیالیسم خواهد داد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -
بروجرد ۱۶ شهریور ۶۰

مهدان مردم چه میگویند؟

تو دا روخانه منتظر بودم که زنی را دیدم دستش را روی قلبش فشار میداد و گریه می کرد. ما حباب دا روخانه گفت خانم ۴۲ تومانی میشه زن یک ۲۰ تومانی در دست داشت گفت از کجا بیا ورم مگرا اینجا دا روخانه اما خمینی نیست مگر نگفته اند که به مستضعفان دا رومجانی میدهند؟ مرد - گفت: ولی نسخه شما مهر کمیتها مداد در اندازد زن گفت من فقط ۲۰ تومانی دارم و آن هم خرج یک روز ۸ بچه یقیم است. دخالت کرده و پرسیدم ما درجان چرا نسخه تان مهر کمیتها ندارد. دا غش تا زه شد و گفت کاش تنها مهر نمی زدند بیا گفت دوتا کوبیدند تو سرم. گفتم چرا. گفت من دوتا پسر داشتم با کلفتی بزرگشان کرده بودم. چند روز پیش پادها آمدند خانه و پسرهایم را که شاگرد نقاش بودند بردند و این مدت از شان خبر ندارند هر روز به سپاه میروم ولی چیز فحش چیز میبیم نمی شود خا لاهم که به کمیتها گفتم دوا و دکتر مجانی میخواهم گفتند چرا زودتر بچه هایت را معرفی نکردی حالا هم از ما دوا و دکتر مجانی میخواهی؟ خیال کرده اند همه مثل آن مادری که تلویزیون نشان داد دلشان سنگ است، آخر من چطور میتوانستم آن آورخانه ام را ببودم بچه های بی را که با زحمت بزرگ کرده ام حاشا نمیدانم چه بلائی سرشان آمده است.

زن قصه ترک دا روخانه را داشت. گفت دوا نمی خرم پولش را برای خرجی نکمیدارم حالا کبر پسرهایم را نمی دهندها قل خرج این بچه ها را بدهند. مگر جرم پسرهایم چه بوده فروش کتاب زمان انقلاب، آیا - با یکدکته شوند؟ جایی نیست که بتوانم حرفهایم را بزنم. گفتم: مادر این همه درد و رنج را به کینه تبدیل کن و قلب دشمنی را که حتی به تو و بچه هایت رحم نمی کند نشان بگیر.

گزارشی از جو کنگاور

بدنبال موج دستگیری سراسری مورخه ۶۰/۲/۳۱ سپاه پاسداران و حزب اللهی ها شروع به دستگیری و ضرب و شتم هواداران نیرو - های سیاسی کردند. در همان اوایل دست گیری هر کسی را که میگرفتند پس از ضرب و جرح بسیار روانه زندان کردند از زمان - فردای پس از ۳۱ خرداد آنها هر کسی را که جوان بود در شهر می گرفتند و شبها خانه گری میکردند و مدت ۷- ۸ روز جولان میدادند حدود ۹ نفر از دستگیرشدگان را به زندان - دیزل کرمانشان فرستادند و بقیه در زندان بقیه در صفحه ۱۱



وبریتیش پترلیوم مشتری های کوچک رژیم جمهوری اسلامی

قراردادش بر روی پیت های نفت کلمات که همان بریتیش پترلیوم است، حک شده بود. این شرکت که مدت ها بطور انحصاری نفت ایران را در اختیار داشت، پس از ملی شدن صنعت نفت و مبارزات قهرمانانه توده های مردم در این زمینه، دست به توطئه های عظیم علیه خلق ایران زد و پس از کودتای ۲۸ مرداد مجدداً "باتفاق" گولهای نفتی آمریکا، فرانسه، و شرکت مشترک هلند، انگلیسی، ثل، کارگارت - این طلای سیاه را از سر گرفت. ممکن است که برای عده ای این تصور پیش آید که ممکن است بحسب اتفاق! ثل و بریتیش پترلیوم این دو انحصار عظیم نفتی جهان در سالهای اخیر کوچک شده باشند. اما از بدشانسی آقای نبوی مجله آیت دیز در هفته گذشته نوشت که بریتیش پترلیوم - ۹۱۰ میلیون لیره (۱/۶۹ بلیون دلار) به دولت انگلیس پرداخته است که مدعی است بزرگترین پرداخت مالیاتی واجدی است که تا کنون در جهان صورت گرفته است. با این توضیحات روشن می گردد که این شرکت یکی از بزرگترین انحصارات نفتی جهان است که همه ساله میلیاردها سود جیب میزند و یک بخش بسیار ناچیز هم بعنوان باصلاح مالیات بدولت بریتانیا می پردازد. اظهارات آقای نبوی نه تنها قادر نیست توده های زحمتکش میهن ما را بفریبید بلکه بالعکس با این شیوه استدلالاتی مفتضح چهره تمام سران جمهوری اسلامی را بیشتر افشا خواهد کرد و یکبار دیگر ادعاها را کذب باصلاح ضد امپریالیستی این قایان را با شکیات میرساند.

می داند. مسلماً این اظهارات سخنگوی دولت نه تنها زحمتکشان ایران بلکه تمام مردم سراسر جهان را به تعجب و احواد داشت آنها با خود می گویند که یا سخنگوی دولت ایران آنقدر از قضا یا پرت است که نمی داند ثل و بریتیش پترلیوم در کنار آرا مگوبزرگترین غول های انحصاری جهان هستند که نه تنها در تعیین سیاستهای دول امپریالیستی آمریکا و انگلیس نقش بسزایی ایفا می کنند بلکه بسیاری از کودتاها در کشورهای نفت خیز از جمله کودتای خائنانه ۲۸ مرداد توسط این غولهای عظیم نفتی جهان به مرحله اجرا درآمده است، و با اینکه رژیم جمهوری اسلامی آنقدر در میان توده های مردم بی حیثیت و بی اعتبار است که برای این مهم نیست به منظور توجیه سیاستهای ضد خلقی خود بی شرمی را بدان حد برساند که ثل و بریتیش پترلیوم را شرکت های کوچک و مشتریهای کوچکی که بهیچوجه قصد غارت منابع طبیعی ایران و تشدید قید و بندهای وابستگی را ندارند معرفی کند. هنوز بسیاری از هموطنان زحمتکش ما بخاطر دارنده گانه های قبل از ملی شدن صنعت نفت در دوران دکتر محمد مصدق بطنی هنگامیکه هنوز نفت ایران انحصاراً در دست شرکت های نفتی انگلیسی

ای بهزاد نبوی سخنگوی دولت در مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی داشته خود در پاسخ به سئوالی در فروش نفت به شرکت های ثل و بریتیش پترلیوم و اعزام هیاتی بدین به خارج گفت: می دانید که از بعد از انقلاب، ایران بیشتر بهای های کوچک معامله می کند و هیچ نیست که معامله ای با این شرکتها (کشان یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۶۰) بسته همانگونه که ما تا کنون مکرر داده ایم، عجیب نیست که رژیم - ی اسلامی یعنی رژیمی که حفظ ثبات سرمایه داری و وابسته و باقی ادهای اقتصادی، نظامی و سیاسی مبارک با امپریالیسم زاوجه همست ارداده است، با عظیم ترین - رات جهانی نظیر ثل و بریتیش - بوم، میتسوکی و امثالهم قراردادها منعقد سازد و با بقاء قرارداد های بپردازد. عهبت پرورگی شان را نیز می فریبی بی پرده سخنگوی دولت ی اسلامی است که "ثل و بریتیش بوم" را در زمره آن شرکت های کوچکی می کند که رژیم جمهوری اسلامی خود ز به معامله و انعقاد قراردادها آنها

گزارشی از جوکنگاور

بقیه از صفحه ۱۰

سیاه کنگا و رنگهداری شدند. زندانیان - سیاسی در سیاه کنگا و حدود ۲۰ نفر بودند که چهار نفر را به زندان دیزل کرمانشاه منتقل و زندانیان سیاه کنگا را پس از ۱۹ روز با دادن ضمانت آزاد شدند. پس از آن تا مدتی یعنی تا قبل از میب گذاری - دفتر نخست وزیر تعقیب و خانه گیری - انقلابیون ادامه داشت. گاهی نیمه های شب مفول و اربانه ها یورش برده و بی هیچ مدرکی جوانان را به زندان می بردند و بعداً سپردن تعهد آزاد می کردند. بدنبال ترور رجائی همان شب موج دستگیری و تعقیب انقلابیون حتی جوانان بیگاروغیر سیاسی شهر شروع شد. بیش از ۲۰ نفر از جوانان را گرفتند و تا ریح ۱۹/۶/۶۰ حدود ۲۶ نفر از جوانان را به زندان برده - اند. ۲۰ نفر از دختران هوادار سازمان نجا هدین هم زندانی هستند. آنچه مسلم است موج دستگیریهای پس از ترور مهره - های حاگمیت ۳ به ۴ روز دادا مه را درود در این ۳-۴ روز هر جوانی که در شهر آفتاب می شود دستگیر میشود. بعلمت کوچکی محبسط با ساران با حزب اللهی ها یا هر کس غرض شخصی داشته باشد دستگیر میکنند.

اکنون مبادرت به بستن چنین قراردادی با آن کشور کرده است؟
- در نهایت اینکه چرا متن قرارداد منعقد رسماً اعلام و حقوق و مزایای این کار - شناسان را به معرض قضاوت مردم قرار نمی دهند. مردمی که هر لحظه آنها را به "جاسوسی" تشکییل ساواک ۲۶ میلیون سی و در محنه بودن فراخوانده و برای حفظ منافع گشای غارتگرانه شان در جنگ ارتجاعی میخواهند بگوشتم توپ تبدیل کنند.

جاسوسی یا کارآموزی!!؟

چندی پیش جهاد دانشگاهی شخصی را - جهت کارآموزی به کارخانه برق معرفی می کنند پس از ورود به کارخانه و گذشت چند روز از مسئول قسمت اسامی و آدرس - کلیه کارکنان را میخواهد و زمانی که مسئول با تعجب می پرسد که اسامی را برای چه می خواهی در جواب میگوید "راستش من اینجا آمده ام که افراد را شناسایی کنیم و کار دیگری ندارم".

نقل از خروش

ری از پتروشیمی

با گذشته رژیم جمهوری اسلامی کارگزاران (اعضای انجمن تلامذی) نفر از کارگران مبارز کمبودی را اخراج میکند و بعد از چند روز میگویند که بر اساس قرارداد که روزه جنوبی بسته اند حدود ۵۰ نفر شناسان آن کشور در کودتای شیمیایی بکار شده و در بهترین هتل های - از آنها پذیرائی میشود و گویا تعداد بعد از مدتی به ۳۰۰ نفر هم خواهد رسید.

نکته جای سوال است: شرایطی که بیکاری در کشور پیدا کرد و هزاران نفر از مردم زحمتکش آن از داشتن حداقل امکانات محروم اند چه نیازی به این تعداد غارچی است؟ رژیم در حالی که شعارهای "توسعه" و "پیشرفت" می دهد و در پی آن است که با ارتقاء نه گره جنوبی را به مردم هدیه دهد و با لیسیم مرتکا تعطیل اعلام میکند

وان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

انقلاب و نیروهای نظامی

بقیه از صفحه ۱

هر انقلاب در پیشروی خود، مجبور است برای شکست فدا انقلاب و طبقات ارتجاعی که با تکیه بر نیروهای نظامی، زندانها و غیره... میکوشند راه خود را بر توده‌ها تحمیل نموده و اقتدار خود را حفظ نماید، به وسایل با اتوریته تری متوسل شود. و فدا انقلاب مسلح را که کمیت اش بیخبر افتاده و برای حفظ موجودیت خود به تالانگری و سرکوب وحشیانه و گسترده خلق دست زده و جنگ داخلی راه توده‌ها تحمیل کرده است در نبرد توده‌ای مسلحانه شکست دهد.

این قانونمندی عام کلیه انقلابات است و بجز استثناات نادری که بنا به مجموعه شرایط ملی و بین المللی امکان کسب مسالمت قدرت سیاسی پدید میآید (نظیرا مکان انتقال مسالمت قدرت سیاسی در فاصله بین فوریته تا چهارم ژوئیه پس از انقلاب فوری در روسیه)، تجربه تمامه انقلابات این مسئله را بشبوت رسانده است. از همین رو چگونگی برخورد به نیروهای نظامی یکی از محوریترین مسائل انقلاب را تشکیل میدهد.

طبقات ارتجاعی حاکم، همواره به سر نیروهای مسلح زمانیا فته که بصورت دسته‌های خاص جدا از توده‌ها متشکل شده اند، نظیر ارتش پلیس، کمیته‌ها، سپاه و غیره... تکیه میکنند، تا راه توده‌های انقلابی بیاخته راه در هم شکسته و آنها را سرکوب نماید.

هر چند نیروهای ارتجاعی حاکم می‌کوشند با ترویج فرهنگ وایدئولوژی ارتجاعی در میان نیروهای مسلح، تطبیع و تهدید و ایجا دنظم ارتجاعی و تبعیت گورگورانه، پیش از پیش نیروهای مسلح را بدل به مهره‌های بی‌اراده خود نموده و از آنها به صورت ابزار برای سرکوب خلق استفاده کنند. اما علیرغم تمام این تشبثات، دورانهای انقلابی حفظ یکپارچگی نیروهای نظامی به امری غیر ممکن بدل می‌گردد. بحران خادانگه‌ها، بحران انقلابی فقر و فلاکت عظیم، افزایش بی سابقه غم و ناراضی، توده‌ها را به اقدامات بی‌سابقه تاریخی و مبارزه آشکارا انقلابی سوق می‌دهد. شکاف در بین طبقه حاکم عمیق تر می‌گردد و شعله روزافزون مبارزات توده‌ای از درون این شکاف مهیب میکشد. تا ثمرات این مبارزه‌ها در طبقاتی در میان نیروهای نظامی تزلزل را به اوچ میرساند و گسیختگی را دامن میزند، بخشی از نیروهای نظامی صفوف ارتش و پلیس و غیره... را ترک کرده و کنا رخلق قرار گرفته به نبرد با دشمن - طبقاتی برمی‌خیزند و جزاین هم نمیتواند باشد، چرا که بخش اعظم نیروهای مسلح از افشار زحمتکش با معبر خاسته اندوا زروی ناچار به استفاده از ارتش، پلیس و... در آمده اند یا بطور اجباری به نظام وظیفه فرا خوانده شده اند و در نتیجه کسب آگاهان از طریق تبلیغات انقلابی و در برخورد عینی

با توده‌ها و مبارزات توده‌ای و... - صفوف جنبش کشیده میشوند. در پیرویه تکوین و بلوغ موقعیت انقلابی توده‌ها زدستور فرماندهان، خودداری از شلیک بسوی مردم، فرار از خدمت سربازان و غیره... بطوردم افزونی گسترش میابد و در لحظه‌های قطعی شکاف در نیروهای نظامی ایجاد میگردد.

پیرویه تکوین قیام بهمن ما نمونه زنده است از روند ایجاد شکاف در ارتش و پلیس، در لحظات قطعی قیام بخش‌های وسیعی از ارتش (پرسنل انقلابی) به صفوف خلق پیوستند و مسلحانه به یادگاری حمله کردند و در نبرد با لشکرگارد نقش ارزنده‌ای بر عهده گرفتند.

مسلما "هما تدقیما بهمن ما دراعلیب انقلابات نیز هیچگاه تمامه نیروهای مسلح به صف خلق نپیوسته اند بلکه فقط بخشی از آن در کنا ر توده‌ها قرار گرفته اند و بخش دیگر بویژه مقامات بالاتر به آخر در کنا ر ارتجاع با قیام نده و سرسپردگی خود را نشان داده اند. از این رو کنا ر بخشهای هر چه وسیعتری از نیروهای نظامی به صفوف خلق یکپارچه و عوامی موثر در پیروزی نظامی بر فدا انقلاب میباشند. لنین یکی از علل شکست قیام مسکودردسا مبر ۱۹۰۵ را در ضعف بلشویک‌ها برای جلب افراد مردم و دول ارتش دانسته می‌نویسد:

"در لحظه قیام ما در مبارزه برای جلب افراد مردم و دول ارتش وظیفه خود را بطور شایسته انجام ندادیم (در سهای قیام مسکو) لنین در بررسی در سهای قیام مسکوه هم چنین می‌نویسد: "درس دیگر موبوطست به چگونگی قیام، طرز هدا بت آن و شرایط گردیدن ارتش بسمت مردم بود. در این مسئله در جناح راست حزب ما نظریه بسی نهایت یکجا تبه‌ای کسفر ما ست. میکویچ ما را بت بر فدا ارتش فعلی غیر ممکنست و - با بدارتشی انقلابی شود، بدیهی است اگر انقلاب توده‌ای نشود و خود ارتش را نیز در برنگیرد در این صورت سخنی هم از مبارزه جدی نمیتواند در میان باشد. بدیهی است فعالیت در بین واحدهای ارتش امریست ضروری ولی موضوع گردیدن ارتش بسمت ما را نمیتوان بمنزله یک عمل ساده و منفرد تصور نمود که در یک طرف نتیجه قنا عواز طرف دیگر نتیجه فهم و آگاهی باشد. قیام مسکوعا مینا نه بودن و قنا قدحیات بودن این نظریه را بطور بارزی نشان میدهد. هنگامی که مبارزه انقلابی حدت مینا بدد و دلی و تردید ارتش که در جنبش واقعا "توده‌ای امری ناگزیر است عملا "به یک مبارزه" واقعی برای جلب ارتش منجر میگردد. قیام مسکودست ایزان شسته ترین و هارترین مبارزه میان ارتجاع و انقلاب برای - جلب ارتش بمانشان میدهد. دوبا سف خودش اظهار داشت که از نیروی ۱۵ هزار نفری مسکوفقط ۵ هزار نفر قابل اعتمادند.

دولت بوسایل گاملا گوناگون و مایه - ای دولدارانگانگهداری میکرد، را متقا عدمیبا ختند، از آنها تملق م گفتند با دادن ساعت و پول و غیره تطم میکردند، به آنها، عرق می‌نوشاندند، فریبشان میدادند، میترساندند، ذره - خانه را بروی آنها می‌بستند، غلب سلاحشان میکردند، و سربازانی که بیبه همه مورد عدم اعتماد دهبودند از اغیان با روز از میان دیگران بیرون میکش و با بدشها مت داشت و صریحا آشکارا عذ کرد که ما در این مورد از دولت عقبمان ما نتوانستیم از نیروهای که در اختیار داشتیم برای همینگونه مبارزه فعلا از شجاعانه، مبتکرانه و تعرض آمیزی که دولت برای جلب ارتش متزلزل بدار دست زدوا پیش بردا استفاده نمانیم. کار آماجی فکری ارتش مشمول بود و با رهمها آنها مینشتری آنرا داده داد. ولی ما قفل فروشان ناچیزی خوابودا گرفتار موش کنیم که در لحظه قیام جسمانی نیز برای جلب ارتش ضروری (در سهای قیام)

با توجه به این در سهای ارزنده تاری است که کار در میان نیروهای نظامی، سازماندهی پرسنل انقلابی، گوشش بر جلب افراد نظامی به سنا بست و تبلیغ صفوف آنان و غیره... اهمیت ویژه‌ای البته این امر در مرحله‌ای از جنبش توجه به وضعیت مجموعه جنبش به اشکال شیوه‌های مختلفی صورت میگردد.

این مسئله بخصوص در شرایط انقلاب تسخیر قدرت سیاسی در دستورگارا انقلاب قرار گرفته و به هدف بلاواسطه تبدیل م گرددا از اهمیت والائی برخوردار میشود تا درک برای تسخیر انقلابی و قهر آمیب قدرت سیاسی (چهار طریق تدارک برای مسلحانه وجه مشکل دیگری جنگ داخلی تنها از طریق تسلیح توده‌ها، سازمانده جوخه‌های رزمی، آموزش رهبران قیام و رهبری عملیات و مبارزه با رتبیان و غیره... کافی نیست، بلکه در کنا ره عنوان مکمل آن با یدکار در میان نیروهای نظامی، سازماندهی پرسنل انقلابی و مبارزه برای جلب بخشهای وسیعتری نیروهای نظامی به سناست و بمفوف مر بهتا به وظیفه‌ای مبرم و فوری در دستور قرار بگردد. و تنها در چنین صورتی است یک تدارک همه جا نبه نظامی برای قیام مسلحانه میتواند صورت بگیرد.

مسلماست که حدت مبارزه انقلابی گسترش جنبش واقعا "توده‌ای تزلزل و دلی را هر چه بیشتر در درون نیروهای نظامی خواهد هدند و تنها تسلیح و آموزش تو - ها و آموزش رهبران قیام موبس تجرب در جریان مبارزه و ایجاد آماجی هایلا برای رهبری قیام مسلحانه توده‌ای (و بهرحال هر شکل دیگر جنگ داخلی) نام اصلی پیروزی است، اما هر آینه این کواها با مبارزه برای جلب نیروهای نظامی توام نگردد، تا نین پیروزی قیام مبرمات کاهش یافته - و خطر شکست آن افزایش مینا بدبا حتی شکست آن معتدل ترمیش بقیه در صفحه

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



بقیه از صفحه ۱

در مرحله

چه باید کرد؟

و... به عمل مبارزاتی روی نیاورده اند. افرادی به اصطلاح "بی خط" و بخش عظیمی از جوانان محله در این زمره اند. اکثر حرکات و تکتیکهای ما با دید رجعت جذب ایمن نیروها یا شدمورتنی که در مواقع لزوم قادر باشیم آنان را بسیج و متشکل نمائیم. در انتهای طیف افراد چا سوسی حزب اللهی، بسیجی، اکثریتی و توده ای... قرار دارند که در مقابل خلق و صفوف انقلاب صف آزاری کرده اند. در مورد این طیف نیز باید به درستی پایه های آن - عناصری که از روی نا آگاهی و یا تعصب مذهبی عمل میکنند و نقش عمده ای در سیاستهای سرکوبگرانه ندارند بلکه در اثر فقر و فلاکت یا مختصری تطبیع جبر شده اند... سران و رهبران جدا نمود. در این مورد تکتیکهای متفاوت است.

در میان این گروه بندی های مشخص نیز افراد و عناصری قرار دارند که عمدتاً متزلزل و مرددند و هرگاه در موردشان روش های صحیحی اتخاذ شود حداقل قابل بسی طرف گشتن و خارج شدن از صف ضد انقلابند.

کار مخفی را سازمان دهیم:

یکی از ارکان اصلی فعالیت انقلابی در مرحله سازمان دهی کار مخفی است. در این رابطه باید بدست برداری اصول امنیتی تا کید نمودن زیر لور رفتن در مرحله به احتمال قوی منجر به دستگیری رفق و متلاشی شدن تشکیلات آن محل خواهد شد. مهمترین مسأله اینست که حضور ما در سطح محله بشکلی دائمی احساس گردد. در این رابطه باید فعالیت تبلیغی دائمی و منظمی را شکل دهیم. تا کید ما در این مورد بر شعرا نویسی پخش تراکت و اعلامیه و دستنویس های درشت نویسی شده است. این اعمال باید بشکل کاملاً مخفی انجام شود. شعرا نویسی در سطح محله باید عمدتاً "با مژیک انجام" شود. و علاوه بر دیوارها با بد تلفنهای عمومی و سایر محله های مناسب را نیز بسز پوشانند. دقت کنید که حتی یک شعرا یا مژیک هرگاه در محل مناسب نوشته شود - بسیار موثر است. مثلاً "در جایی که مشرف به صف نا نوایی یا صف گوشت است. در این مورد انتخاب شعرا نیز بسیار مهم است. باید شعرا را مسائل و مشکلات توده های محل تطبیق داشته باشد در عین حال که میتوان **گه گاه** شعرا را با مناسبتی در مورد مسائل محل نوشت و یا دستنویس های بی در این مورد چسبانند و پخش کرد. این شیوه ها اگر درست بکار گرفته شود تدریجاً "توسط خود توده ها نیز بکار برده خواهد شد.

برای پخش در محله باید حتی میتوان اعلامیه ها، تراکتهای و حتی مقالات مناسب سازمان را به شیوه های دستی به میزان لازم تکثیر کرد و از این طریق با بسیاری را آذوقش سازمان بگیرد. برای پخش اعلامیه نیز علاوه بر انداختن جلو خانه ها و قرار دادن دسته های چند عددی در محله های عبور و مرور و تجمع مثل جلوی حمام ها و نانوایشها و یا پهلوی شیرهای فشاری، تلفنهای عمومی نیز مکانهای مناسبی اند

که میتوان تا ۳ یا ۴ اعلامیه را در آن نهاد. توده ایها بشکلی روزیانه بریده های روزنامه های رژیم را در کنار هم میچسبانند و سعی دارند بدینوسیله سیاستهای ضد مردمی رژیم را خلقی نشان دهند. اما میتوان همین روش را بدستی در خدمت افشای رژیم قرار داد. آنجا که رژیم جنگ ارتجاعی را تقدیس میکند هرگاه در کنارش موارد متعددی از خسارات و خانه خرابیهای جنگ و وضعیت آوارگان قرار گیرد برداشته و افشاگرانه وسیعی دارد. و یا میتوان سخنان سران رژیم را با تفسیرهای کوتاه و افشاگرانه در کنار یک دیگر قرار داد. مثلاً "وعده های بی که رژیم در مورد مسکن میدهد و افشای آن با ذکر مثالهای ملموسی چون ندادن خانه، جلوگیری از معادن خانه های "طاعتی" بالا رفتن روز افزون کرایه خانه و... انتقال سریع اخبار محلات و ایجاد فرهنگ خبررسانی به حضور فعال مادر سطح محله نمودی عینی میبخشد.

حزب اللهی ها، جاسوسان و ارگانهای سرکوب رژیم باید شناسائی شوند. این مسأله در شرایط کنونی اهمیت بسزائی دارد. باید تمامی عناصری را که بنحوی در خدمت سیاستهای سرکوبگرانه رژیم قرار دارند بشکل کاملی شناسائی نمود. در این رابطه تنها محل خانه آنان کافی نیست بلکه ساعات رفت و آمد، شکل رفت و آمد، مسیرها و محل کار و... باید به دقت بررسی شود. باید شغل و وظایف این افراد بدستی مشخص گردد و برای این عمل میتوان از اطلاعات همسایه ها و اهالی خانواده آنان نیز استفاده کرد.

در رابطه با افرادی که در محله به احتمال شده و یا غیراً لانژ یا زشیوه های متفاوتی جهت هشدار و آگاه نمودن سود برد. میتوان برای آنان نامه نوشت و عواقب شرکت در سرکوب خلق را بدانان گوشزد کرد و آنان را به ترک موضع ضد خلقی شان فراخواند. میتوان در مجامع و محله های رفت و آمد آنها شعراهای هشدار دهنده - نوشت و دستنویس های مربوط به آن را پخش کرد (مثلاً "جاسوسان رژیم ز قهر خلق در - اما ن نخواهند نمود... میتوان از طریق فعالیت های تبلیغی بروی خانواده آنان برای افراد تا شیرین دماغاً "مادر که فرزندش بسیجی است باید از عواقب کار پسرش و از نمونه های متعدد اعدا انقلابی مزدوران و جاسوسان رژیم خبر شود... اما در مورد عناصر موثر سرکوبگر رژیم و عوامل مزدور و رهبران باند های سیا و... علاوه بر شناسائی دقیق باید آنها را به شدت افشا نمود و بر دیوارها ناموشغل - کثیفشان را نوشت.

باید ارگانهای سرکوب رژیم را چون مراکز بسیج، سیا و... بخوبی شناسائی کرد و این شناسائیها باید شامل محل، درهای ورودی و خروجی، طبقات ساختمان، نقشه داخلی محیط حتی الامکان و با مشخص کردن انبارهای اسلحه و محل استقرار نیروها و... (تعداد مزدوران مسلح، ساعات تعویض بست، محل استقرار کشیکها، راههای نزدیک شدن و فرار، دست اندازها، سنگرها و... باشد. باید حتی الامکان اطلاعات دقیقتری از شیوه عملکرد و برنامهریزی ارگانهای سرکوبگر و نیروهای آنها داشت. این عمل علاوه بر صحبت با مزدوران رژیم در محل و حتی خانواده های آنان، از طریق مساجد

ن حزب اللهی و وابستگان به رژیم سنجی ها، کسب جنبه، اکثریتی ها، بیخ و... برخی رهبردهای رهبر بران نه خاسوسی و خبرچینی ولو متلاشون متلاشوند - همین عده - بر شناسائی سرکوبنده رژیم بجای - بر بدیروز "جاذبه میشوند - کمیته های سیاسی سرکوب و ترور را به عربان ده پیش میبرند، خانه گردی به صورت میگیرد. و مساجد تمام نیروی اجماع پیشبرد سیاستهای ضد خلقی بسج کرده اند. حتی طرحی جهت اسکان حزب اللهی ها - به نام آواره - یا "کوچ نشین در محلاتی که سیاست حزب اللهی مواجهد وجود دارد تا اطلاعاتی رژیم شکل "سراسری" خود بسین شرایطی است که توده های جوانان مبارز میسرند در مرحله چه "بیش از آنکه در رابطه با شرایط در این پیرش یا سخگوشیم لازم است راتی که بطور کلی همواره رهنمودها عام مطرح میشود و بر رفقای هوادار در هر محل مشخص رهنمودها را با شخص تطبیق دهند و به پیش برند. حال با گزارش دهی در مورد - خودگامی در جهت انتقال و ارتقاء بر دارند.

باید با کار بستن رهنمودها باید به تفکیک امنیتی لازم صورت گیرد. تشکیلاتی باید در مورد بکارگیری رهنمودها مسئولین خود مشورت نمایند. رفقای غیر تشکیلاتی نیز که باید رهنمودهای زیر را بعنوان وظیفه ای انجام دهند. مثال زیر روشن بود و تفکیک امنیتی میباشد. مثلاً "اداری متشکل از یک هسته راتی، دو هسته توزیع و شعرا نویسی بق تدارکات است روشن است وظایف در محله را بهیچوجه رفقای هسته راتی بعهده نمی گیرند زیرا هرگونه خطریا عیب از هم پدیدن گروه می. اما رفقای توزیع و تدارکات بخوبی این وظایف را انجام دهند. با این ت میتوان به سؤال در محله "چه بود؟" پاسخ داد.

ای محلات را بشناسید:

اره با دید حرکات و برنامهریزیهای بی بر شناخت صحیح زتوا زن نیرو - وجودی است. در همین رابطه سعی کنید نیروهای محلات را بشناسید. رده محله خود بشکلی نسبتاً "دقیق نیروها را مشخص کنید. میتوان - در محله همواره نیروهای هستند. ن از آنان بمنابا به نیروهای انقلابی نام برد. این نیروها عمدتاً - سازمانها و گروههای انقلابی هستند. های اولیه مقاومت و مبارزه در محله ی شکل آنان بسته میشود. روش تها این نیروها کوشش در جهت راتجا دو همچنین را دیگالیزه کردن جمعی حرکتی آنان است. در پیله نیروهای بی قرار دارند که باید ملی ما جذب وسیع آنان قرار گیرد. نیروهای مخالف رژیمند که در اثر آگاهی یا گزارشات محافظه کارانه

درمجاهه چه باید کرد؟

بقیه از صفحه ۱۲

مشخص مورد نفرت بوده ها چون جنگ (کسه جموما" در هر مرحله چندگشته نیز برجا ینهاد) و یا اعدا مها (که از سویی مناله جا دا معه آیت و از سوی دیگر عمدتا" در محلات بسیاری نا متگیر خا نواده ها بوده است) و همچنین با مثل ملبوس محله چون نبود اسفالست، آب نوله کشی، کمبود توزیع اجناس و... - فنی باشد، بهترین روش حرکت در این مورد پتیرخا نواده ها جهت پیشبرد سیاستهای - تبلیغی و شکل دهی اعتراضات است (در این مورد در قسمت بعد سخن میگوئیم).

از سوی دیگر هدف ما از گرد بیسیج و شکل پزده ها عملا" نیست که در شرایط مختلف - چه در رابطه با اعتراض به قطع متوالی برق و یا آب و یا شکر یها کمیته چیها در محل، چه در رابطه با شکل دهی اعتراض به محله - گزندی و چه در رابطه با قیام - باید بتوانیم بهترین توجه در این مراحل بحرکت در - آوریم. تمامی تیرهای بالقوه را به میدان بکشیم و حرکت محله را از زمان دهم - بانه آل ترین شیوه عمل در این مورد - سازمان دهی شورای محلی و کمیته های - جلات است. (که اینک تنها میتوان نطفه های آن را در اشکال مخفی و نیمه مخفی سازمان داد) اما شکل دیگر خود بدون یک سازمان دهی منسجم و تنها از طریق شکل های - هلنی موجود (مثلا تیم فوتبال جوانان - محل) و از طریق اعمال اتوریته انقلابی (مثلا رفیقی که در محل مشکلات محل همواره - صاحب نظر است) و... صورت میگیرد. در این رابطه چند نکته قابل طرح است.

۱- جوانان محل و سازماندهی آنان:

در محلات جوانان کلید بیسیج و تشکیل تمامی - یوده های محله اند. جوانان بخوبی قادرند ایده های ما را به درون خانواده ها ایشان - برده و خود تلاش یک مبلغ را در آن رابطه - ایفا کنند. و از سوی دیگر در مواقع لزوم - خا نواده خود را بخوبی بحرکت در آورند.

گروه بدلیل سیاستهای ارتجاعی رژیم - و جو اختقایی حاکم، شورا انقلابی، فرهنگ - انقلابی و خصوصیات مبارزاتی که در شرایط - اوچگیری مبارزات توده ها بخصوص در - جوانان شکل گرفته بود و در مقطع قیام - و مبارزات آنها و وجود رسیده بود فروکش کرده - است. و فرهنگ منطقی که از سوی رژیم شاه - تبلیغ و ترویج میشد با ردیگر به اشکال - گوناگون بازگشته است و نیروی دوران ساز - جوانان ما را به هرز میبرد و با ردیگر - پخته ها و گفتگوها به تفرق راه است و نیرو - های جوانان به بدترین اشکال به هنر - پیورده اما در این رابطه باید کوشید تا - اعتیادات جوانان محله را به اشکال عالی - تری ارتقا داد. اولین گام در این مورد - میتوان ند شکل دادن حرکات جمعی چون - ورزش باشا، میتوان صحبها دوید و نشر کرد - رنشین آنرا به آموزش ورزشهای رزمی و همچنین به برنامها کوه یا راهپیمایی ارتقا - داد. از همین گام نالهاست که میتوان با - فرهنگی که اینک بر غالب جوانان تسلط - پذیرد مبارزه نمود. از سوی دیگر این اشکال - جزکت نطفه های شکل های ابتدائی جوانان

و گروههای توزیع نفت و... نیز بدست می آید.

سیاستی ها و گروههای بدست آمده را نباید بطریق ممکن بدست سازمان - رسانید. از سوی دیگر هواداران که بسر طبق رهنمودهای سازمان (در مقاله سازمان دهی جوخه های رزمی و... دست به تشکیل گروههای مسلح جوخه های رزمی و... دستجات نظمی زده اند نمیتوانند در رابطه با حمله به ارگانهای سرکوب، معادله - (بول - سلاح - اتومبیل و... برای در اختیار سازمان قرار دادن) و ترور انقلابی عناصر اصلی باندهای سیاه، ارگانهای - سرکوب و رژیم با برنامها ریزی دقیق و - تدارکات کافی اقدام نمایند. مسلما - گروهها و نیروهایی که بهر طریق قادرند - با سازمان تماس بگیرند برنامها عملیات خود را در ارتباط مستقیم با سازمان و اخت - ره سردخواهند ریخت.

در این مورد چند نکته قابل ذکر است:

- ۱- افرادی با ارگانهای انتخاب شده برای عملیات باید کاملا" در سطح توده های وسیع محله منفور و شناخته شده باشند. هرگونه - اقدام در مورد عناصر شناخته شده (هرچند - کاملا" مزدور و سرکوبگر) از نزدیکان آنها - برخوردار نیست. و باید ابتدا با افشای - کامل عنصر مزبور به توده ها شناخته شده شود.
- ۲- عملیات باید با تبلیغات سیاسی - پیش اعلامیه در مورد آنکه سوژه عملیات چه - کسی و چه کاره بوده و اعمال سرکوبگرانه - آش چیست و علت ترور یا حمله چه بوده - و وظایف توده ها در این رابطه چیست... - همراه باشد. عدم تبلیغ سیاسی علاوه بر - میدان دادن به رژیم توده ها را در گنجی، - و بهت باقی می نهد.

۳- انجام عملیات از سوی افراد غیر محلی - مسلما" از امکان تحرک و فرار و... بهیشتی - برخوردار است در غیر این صورت باید - تدارکات لازم جهت شناخته شدن - شود.

باید در رابطه با پیشبرد وظایف محلی و بیسیج و تشکیل توده ها در سطح محله دست به ایجاد - شکل های مخفی زد. این شکلها مسلما" - در اول شکلی ابتدائی دارند اما به - صورت باید نیروهای بالفعل را در آنها - جای داد. وظایف ابتدائی این شکلها - پیشبرد وظایف ذکر شده و خبررسانی است. - اما در بین خود مشکل عملی نطفه های کمیته - های محلی را مبرورراندند. چنین شکل - هایی باید کاملا" مخفی باشد و ارتباطات - و احیانا" جلسات آن تنها" در خارج محله - و یا با - حملها و توجیهات مناسب انجام - گیرد. همچنین برای پیشبرد وظایفی چون - شناسائی ها و... میتوان از دوستان - آشنا یا غیر محلی سود برد تا با دگسی - شناخته نتوند.

فعالیت علنی را در محله پیش ببریم:

با بدروشن گردد که هدف ما از پیشبرد - فعالیت علنی در محله چیست؟ بطور خلاصه - میتوان گفت ارتقا" آگاهی توده ها، بیسیج - و تشکیل آنان. ما باید علاوه بر پیش مخفیانه - اعلامیه و تراکت و شعار نویسی و... در اشکال - علنی مبارزه به رشد آگاهی توده ها - شنا نادن هر چه بهتر دشمنان و به - ارائه راه حل انقلابی مشکلاتشان بپردازیم - در این رابطه بهترین گامال حرکت مسائل

را در خود میبندد و امکان بیسیج و گرد - آنان را ایجاد میکند. حرکت سیاسی، - عقاید مترقی و جذب نیروهای بالقوه، - روشی صبورانه و بدون کوچکترین چا - و راست روی انجام شود. چپ روی در آن - شکل از حرکت است که با طرح بیسیج - عموما" سریع مسائل عقیدتی خود را - و شناخته شده میکند و حرکت را از هم - و راست روی تسلیم به جوخه کم و تن در - گرایشات و حرکات لمبونی و بسته کرد - انجام صوری و فرمالیستی حرکات چه - است. در حرکات جمعی از جمله هنگام - برآشربند آمدن مسیل و یا راه آب سر - محله را میگیرد، آنگاه که برف میبار - محله احتیاج به رفت و روب دارد، تسلط - خرابه های محل و ایجاد زمینهای باز -... بهر رو یا پاروش های مناسب جوان - را در انواع شکل های مختلف گرد آور - با فرهنگ منطقی مقابله کرد و گرایش - انقلابی و مترقی را رشد داد و سپس به - سیاسی آنان همت گماشت.

برآشربند کم و فرهنگ موجود و با - بالا (یعنی سازمان دهی جوانان) در - با دختران اشکال دیگر (عمدتا" بی - تری) بخود میگیرد. اما باید در رابطه - شهروهر محله این اشکال را یافت و - سازمان داد. با ید در جایی بتوان - اجتماعات را در رابطه با جلسات دور - دوستانه برگزار کرد و در جایی دیگر - کلاس خیاطی، کارهای کمک درسی و... - بخود بگیرد.

۲- حرکت در رابطه با خانواده:

از وظایف فعالیت های علنی میتوان - را حتی به اعضای خانواده منتقل شود - افشاگریهای سیاسی، درصفت و - و در بر خورده های دیگر محل و یا حتی - تبوس و تاکسی و طیفه ای است که بر - از سوی پدران و مادران و سایر اعضای - خانواده قابل پیشبرد است. هرگاه پدر - در رابطه با خانواده ها حرکت گردد بدست - نطفه اعتراضات در مورد مشکلات و مسائل - محلی از سوی آنان بسیار بهتر شکل - هواداران باید با خانواده چون یکی - عرصه های مبارزه بر خورد کنند. باید خ - را با مسائل و بینش سیاسی آشنا کرد و - پرورش داد. باید محیطی ساخت که نه ت - پیشبرد مبارزه از سوی هر رفیق برآحت - انجام گیرد بلکه خانواده نیز در مبارزه - شرکت نماید. در پیرویه رشد و پیشرفت - وظایف سنگینتری نیز قابل انتقال - خانواده ها است. حمل و نقل و سایر وج - اعلامیه و نشریه توسط یک مادر خانواده - بسیار احترام و ایمن تر صورت میگیرد. - با بدستی گردیا محلات دیگر - چه - طریق رفقا، همکلاسیها، همکاران و آشنای - تمام برقرار کرد این تماس در سطحناز - خودگام نالی است برای انتقال خسوتجا - بدست آمده و در سطح پیشرفته تر میتوان - به همکار یهایی در مورد پیش اعلامیه - انجام شناسائی و... بیجا نماند.

رفقا!

هر محله نگری است که میتوان ند - راحتی با تلاش ما به تصرف انقلاب در آید - و ضربات کاری بر پیکر ارتجاعی می رسد. - داران و زمینداران وارد آورد. با - با تمامی توان جهت تسخیر و نگهداری - سنگر که شد.

تهدیدات خمینی

بقیه از صفحه ۱

در این مسئله شکی نیست که رژیم آرزو دارد بتواند مدارس - این کانونهای فتنه! - را نیز چون دانشگاهها تعطیل نماید، و در این نیز شکی نیست که اگر میتواند از خشم بیش از ۱۰ میلیون دانش آموز نمیهراسد، دست به چنین اقدامی میزند اما "معالف" رژیم مجبور است مدارس را بشکند و عواقب آنرا نیز پذیرا باشد. و از اینروست که علاوه بر تمامی تهدیدات تابستانی، روزهای اول مدرسه را به تئیدیدوار عاب و فرستادن پیامهای شایسته اختتام داده است.

رژیم هر چند سرکوب و وحشیانه ای را در جامعه به پیش میبرد، هر چند در مدارس - تصفیه های بسیار کرده، بسیاری از دانش آموزان فعال و مبارز را اعدام شده اند و یاد روزندانند، بسیاری از ثبت نام و حق تحصیل محرومند و از بقیه آنان نیز تعهد گرفته شده است، هر چند معلمینی علاوه بر پاکسازی شدت زیر فشار تهدیدات و تفتیش عقاید قرار دارند و هر چند کادرا سوسی و خیرچینی رژیم در مدارس یعنی انجمنهای اسلامی و مور تربیتی شدت سازمان داده شده و تقویت گشته اند اما با اینهمه رژیم شدت میهراسد. و این ترس علاوه بر ترسی است که تمامی رژیمهای ضد خلقی از هر گونه تجمع، تشکل و حرکت گروهی توده ها دارند. رژیم در عمل، دانش آموزان این نیروی پویا و رزمنده را شناخته است.

رژیم از سویی مبارزات حماسه آفرین دانش آموزان با رژیم شاه را با خاطر دارد و از اینرو به قدرت آنان واقف است. در ضمن بیاد دارد که چگونه دانش آموزان - رزمنده در تمامی سنگرها، راهپیماییها، حملات و نگهبانیها و مبارزات در صفوف اول حضور داشتند، و چگونه تمامی نیروی عظیم خود را جهت سرنگونی شاه بکار گرفتند و از سویی دیگر رژیم جمهوری اسلامی خود نیز "زهر مبارزات دانش آموزان را چشیده است و بخصوص در سال گذشته به قدرت اتحاد مبارزه آنان پی برده است، ترس رژیم از مبارزات متشکل دانش آموزان است که بحق و با اطمینان میتوان گفت نه سرکوب های رژیم، نه اخراجها و تصفیهها نه ایجاد شبکه های سوسی و نه تهدیدات خمینی قادر نیست جلوی رشد آنرا سد نماید.

اما باید به خمینی که اینگونه ابلهانه دانش آموزان را تهدید میکند گفت دانش آموزان همانهایی هستند که سینه های خود را جلوی گلوله های شاه سپردند، ۱۳ آبانها را آفریدند، همانهایی هستند که یادگانها را تصرف کردند و در سنگرها جنگیدند، همانهایی هستند که در کردستان قارغ از وحشت دژ خمینیان جمهوری اسلامی تظاهرات خیابانی به زیر بمب و راکت و گلوله سازمان میدهند. همانهایی هستند که در سال گذشته علیرغم تمامی سرکوبگریها، مبارزات خود را روز بروز علاقه بخشیدند، دانش آموزان ما بیکهای انقلابند و اگر بنا بر این بود که دانش آموزان و سایر اقا را خلق از اینگونه تهدیدات شاهانه بهراسند هنوز هم شاید خمینی دربارین بود.

رژیم جمهوری اسلامی نیز تکیه خود را بر سر نیزه نهاده است. رژیم قصد دارد که گندم راه زور سر نیزه از روستائیان بخرد و به بهای خانه خرابی، فقر و فلاکت وی چیزی از آن خود را از ورشکستگی نجات دهد. و از اینروست که به بستن آسیابها و قسری نظامی روستاها پرداخته است. اما دهقانان نیز در تجارب عملی خود کما بیش به ما هیت رژیم پی برده اند و در عین حال با گوشت و پوست خود فقر و فلاکت را حس می کنند و میداند فروش گندم به قیمت پیشنهادی رژیم چیزی جز بدبختی فلاکت، ورشکستگی و فقر بیش از پیش در پی ندارد و به همین علت نیز با قاطعیت از معامله با دولت سر باز زده اند. در بسیاری از نقاط از جمله در روستاهای آذربایجان و سایر اطراف قزوین روستائیان گندمها را حتی زیر خاک کرده اند و با وجودیکه رژیم پاسداران مزدور خود را گماشته تا آسیابها را ببندند دهقانان گندمها را در آسیابهای خانگی آرد میکنند و بدین شیوه به مقابله با سیاستهای ضد خلقی رژیم پرداخته اند. چرا که روستائیان با قیمت تعیین شده از سوی رژیم با توجه به گرانی کلیه ما محتاج عمومی نمیتوانند سایر کارها را تهیه کنند.

دهقانان رزمنده و روستائیان مبارزی که در تجارب عملی خود بد رستی آموخته اند که تنها و تنها با تشکل و مبارزه یکپارچه و متحد است که میتوان در مقابل رژیم ایستاد. اینک باید این تجارب خود را در میان تمامی روستائیان تبلیغ کنند با دیده دهقانان بگویند که تنها و تنها با اتحاد و مبارزه است که میتوان در برابر سیاستهای ضد خلقی رژیم و نیروهای سرکوبگرش مقاومت کرد. دهقانان زحمتکش باید بداندند اینک وقت آن است که در مقابل سرکوب و ظلم رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش متحد شویم. باید تشکلهای مخفی ایجاد کرد. روستائیان مترقی را در این تشکلهای بیکدیگر پیوند داد و به مبارزه سازماندهی حرکات اعتراضی بایستاد. روستائیان را بدنیال خود روانه ساخت. باید جاسوسانی را که رژیم در روستاها گمارده است - حتی در بسیاری مواقع از خارج روستا به تاجا اعزام کرده - شناسایی کرده به جاسوسان هشدار دهید که از عمل تنگین خود دست بردارند و در صورت ادامه جاسوسی و خیرچینی اعدام انقلابی آنان را سازمان دهید.

در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و ظلم و ستم پاسداران و نیروهای مسلح زمینداران بایستید و در این راه تشکلهای خود را مسلح کنید و با انگا به نیروی - لایزال توده های کارگر و دهقان روستا با زمینداران و پاسداران حامی آنها مقابله کنید. با روستاهای نزدیک تماس بگیرید، اخبار و تجارب خود را با آنان مبادله کنید و حرکاتی مشترک را سازمان دهید. پیروزی از آن زحمتکشان است.

بقیه در صفحه ۱۶

فرار از ورشکستگی به بهای خانه خرابی دهقانان

روستاها، در آن مناطقی که کشتند، اکثرا "چهره" دیگری بخود گرفته اند. قرق نظامی، برقراری حکومت سرکوب، کنترل شدید جاده های ورودی و خروجی روستا، تصرف و مراقبت نظامی از آنها، اذیت و آزار و اعمال فشار بر پاسداران از سوی پاسداران مزدور، همه و همه جهت خرید "اجباری گندم از دهقانان پای عادلانه"

رژیمی که در مقابل امپریالیسم نژادگرا و دست است که قرارداد های میلیار دللاری را بدون چون و چرا امضا می کند، گروه گانها را زاد میکند و دست چنده میلیون دلار برایش مهم است، در معاملات دزدی های ۵۶ میلیونی ام میشود و آب از آب تکان نمی خورد. در مقابل روستائیان آنچنان - تی بر خرید گندم نهاده است که آنان حاصلی خوب دارند نیز در هر کیلو ۲ تا ۳ یال آزما به ضرر می کنند. رژیمی که بتدا دشمنی خود را با توده های خلق آنجمله دهقانان نشان داد، آنان را در استان و ترکمن صحرا و خوزستان ار کرد، در مقابل معادله زمینهای نزاران توسط دهقانان ایستاد، - تا تئیان معترض جهت بدست آوردن کود و آب را کتار کرد، فئودالها را مسلح و بیجان و مال دهقانان مسلط نمود، می که حتی میتوانست بپذیرد در قمری نگ که خودش تحت فشار مبارزات - انبی تصویر کرده انجام گیرد و بنسب و "د" را لغو کرد، چنین رژیمی اینک قصد دارد به بهای فقر و فلاکت و بیچیزی تا تئیان و دهقانان از ورشکستگی خود گیری کند.

در شرایط کفونی خرید گندم برای منقشی حیاتی ایفا میکند. رژیم - تبلیغات دروغی سیل های خالی را بر جا میزند از سویی با کمبود گندم مواجه است و مجبور است برای جلوگیری از قحطی - که مسلما ناشی از - ستیهای ضد خلقی اقتصادی رژیم و بیش از سرمایه داران و زمینداران - ت - بهر صورت ممکن گندم تهیه نماید. بوی دیگر ورشکستگی اقتصادی و - شتن هیچگونه پشتوانه ارزی اورا بوریه لغو برخی قرارداد های بی با بریالیسم کرده است. آنچه مسلم است در عمل نیز می بینیم - رژیم ضد خلقی بین مورد نیز بر ضد توده ها و بیسود بریالیسم عمل میکند و در جاتی که مجبور خوب برخی خریدهایش گشته است، خرید موریرنج و برخی دیگر از ما محتاج به توده ها را لغو نموده است و این در بطی است که قرارداد های چند - یار دللاری تسلیحاتی نه تنها با بر ست بلکه روز بروز افزایش می یابد.

در اینجا تنها راه باقیمانده برای به گندم روی آوردی به دهقانان زحمتکش است. اما از آنجا که رژیمهای ضد خلقی بنگاه نمی توانند به توده ها متکی باشند،

رژیم سرکوب و ظلم رژیم جمهوری اسلامی بیشتر از پیش متحد شویم. باید تشکلهای مخفی ایجاد کرد. روستائیان مترقی را در این تشکلهای بیکدیگر پیوند داد و به مبارزه سازماندهی حرکات اعتراضی بایستاد. روستائیان را بدنیال خود روانه ساخت. باید جاسوسانی را که رژیم در روستاها گمارده است - حتی در بسیاری مواقع از خارج روستا به تاجا اعزام کرده - شناسایی کرده به جاسوسان هشدار دهید که از عمل تنگین خود دست بردارند و در صورت ادامه جاسوسی و خیرچینی اعدام انقلابی آنان را سازمان دهید.

در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و ظلم و ستم پاسداران و نیروهای مسلح زمینداران بایستید و در این راه تشکلهای خود را مسلح کنید و با انگا به نیروی - لایزال توده های کارگر و دهقان روستا با زمینداران و پاسداران حامی آنها مقابله کنید. با روستاهای نزدیک تماس بگیرید، اخبار و تجارب خود را با آنان مبادله کنید و حرکاتی مشترک را سازمان دهید. پیروزی از آن زحمتکشان است.

بقیه در صفحه ۱۶

قانون بازسازی

صفحه ۴ از صفحه ۴

نیروی انسانی

بطارت عالی بجمیک نهاددانشی نگاه
میکند که حتی حق قانونگذاری و تعیین
مجازات را دارا می باشد.

وماده ۱۵ میگوید: "هرور ارتخا به باموسه
دولتی ویا وابسته بدولت موظف است مکان
- هائی را در مرکز استان مربوطه یا لوازم
و امکانات مربوطه برای استقرار هائیکه
بیروی و تجدیدنظر و نیز با یکائی بیروندهای
رسدگی و خدمت توسط هائیکه در نظر بگیرد و
هائیکه با بستنی پس از روشن شدن رای -
قطعی بیرونده را به یکائی تعیین شده
در مراکز استان ارسال و رونوشتی از خلاصه
بیرونده را بوزارتخانه یا موسسه دولتی
مربوطه در مرکز بیفرستد تا در نظر و زیر
بایالارین مقام موسسه دولتی مربوطه
نگهداری شود."

علاوه بر همه اینها به هائیکه برای بررسی
اختیارات با بررسی دادگستری داده شده
است که بتواند برای کارمند بیرونده سازی
کرده و در اختیار ردا دگا هائی عمومی قرار
دهد. تبصره ۴ ماده ۲۷ در این باره چنین
میگوید: "هائیکه میتوانند مدارک علیه
متهم را جمع آوری و بیرونده تشکیل و آنرا
به مراجع ذیصلاح قانونی ارجاع کنند."
همه این مواردی رساننده رژیم بیا
ایجاد این نهاد قانونی "میخواهد دستگاه
امنیتی و کنترل کننده ای را در ادارات
و موسسات و وابسته بدولت همچون شمشیر
دموکلسی بالای سر کارکنان قرار داده که
در هر لحظه بحساب آنها برسد!

ما هیئت قانون ساز نیروی انسانی...

قانون ساز نیروی انسانی که هیئت
شوراهای پاکسازی که بلافاصله پس از
قبایم در ادارات، دانشگاهها، موسسات -
وابسته بدولت، بانکها و کارخانجات
آمدویک نهاد شورائی و خودجوشی از طرف
توده ها بود، یک نهاد بیروکراتیک است.
کمیته ها و شوراهای پاکسازی اولیه توسط
خود توده ها و زمان مبادرت برین، صدیق -
ترین عناصر هر صنف تشکیل میشد و عملکرد
هائیکه پیش منگی برار داده توده های منف و بیبا
برای سنها ای انقلابی بود. اما برخلاف
آن هائیکه با سازمان نیروی انسانی
که تماماً "انتصابی" از طرف وزرا و ارگان
- های بیروکراتیک دولتی منصوب میشوند
بوئی از اراده توده ها نبوده و مدبر صد
بیروکراتیک و ارگان اعمال نظر و قدرت
دولت بوده و شنیدنا "فدا انقلابیند."

نحوه تشکیل هیئت ها و ترکیب آنها
بیروشتی ما هیئت آنها را نشان میدهد.

ما دهیک قانون میگوید:

"هائیکه با سازمان نیروی انسانی...
عبارتند از الف - هیئت عالی نظارت بر
بازسازی... مرکب از افراد زیر است: ۱-
دو نفر به معرفی شورای عالی قضائی ۲ -
یک نفر به معرفی نخست وزیر ۳- دو نفر به
معرفی وزیر و بیرونی بالاترین مقام موسسه...
و اعضای هائیکه بیروی و تجدیدنظر توسط
هائیکه نظارت انتصاب مسوود افراد
گروه های بررسی و تحقیق هم از طرف حساب
- های بیروی و تجدیدنظر انتصاب خواهد
شد. ما بین سرینیک دستگاه اهرام تشکیل
میشود که از عده ها را من هر همه انتصابی
هستند و توده های کارمند و شوراهای
- ها، وانجمنها و... در ادارات، مدارس،

دانشگاهها، کارخانه ها و... کوچکترین
نقشی در انتخاب آنها ندارند. حتی یک
نفر از آنها منتخب توده ها نیستند.

هیئت های بازسازی نهاد های سرکوب -
بیروزی بر علیه نیروهای انقلابی و مترقی
هستند. درحالی که کمیته ها و شوراهای پاک
- سازی اولیه نهاد های انقلابی اعمال -
حاکمیت توده ها علیه نیروهای فدا انقلابی
پس مانده از رژیم سابق بودند. در واقع
آنها ارگان اعمال قدرت انقلاب علیه
عالمین بیروکراتیک (اداری و نظامی)
رژیم گذشته بودند که توسط نیروهای
انقلابی تصفیه میشدند درحالی که هم نظر
- یکه در بیا لادیدیم هائیکه با سازی -
عوامل سرکوب جدیدی هستند که هدفشان
سرکوب نیروهای مترقی و مترقی بوده و
حتی وسیله ای جهت بازگرداندن نیرو -
های سرکوب رژیم گذشته هستند که بدست
توده ها تصفیه شده و کنا رگذاشته بودند.

هائیکه با سازی علاوه بر اعمال بیروکرا
- تیک بیروزی، مجری سیاست تلفیق
دین و سیاست و ولایت فقیه هستند. این
ا مردم زوظایف این هائیکه مشخص میب
(که با نپرداختیم) و هم در خصوصیا تا عفا
آنها تجلی یافته است. ماده ۸ قانون -
میگوید:

"اعفاء هیات عالی نظارت و بیروی و
تجدیدنظر و شعب آنها (و همچنین گروه های
بررسی و تحقیق) بایدارت - مسلمان و
عامل با حکام اسلام (از گذشته به این وقت
شهرت داشته باشند) ب- متعهد و معتقد
با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برهبری
امام امت باشند تبصره - در هر یک از
هائیکه بیروی و تجدیدنظر بایدارت... یک نفر
آشنا به موازین اسلام عضویت داشته باشند."
با این ترتیب "این نهاد قانونی" -

وظیفه دارند مستمرا لایه فقیه و تلفیق
دین شیعه با دستگاه اداری را پیاپی ده کرده
و با ملاحظه خودشان همه کارکنان دولت و
وابسته با نرا مکتبی کرده و "انقلاب -
اداری" را متحقق سازند.

قانون ساز نیروی انسانی...
که در شرایط اختناق بی سابقه، اعدامهای
دسته جمعی و بابتا شتهای هزاران هزار،
بدست مجلس شورای اسلامی فدا خلقی سرهم
بندی شده، هم تصور بیکه دیدیم، هدفش
اخرا بوقلغ و قمع همه نیروهای مترقی و آگاه
و انقلابی و برقراری سکوت گورستانی در
محیط ادارات و موسسات و وابسته بدولت
است. اما این یک طرف قضیه و خواست رژیم
فدا خلقی است. شک نیست که کارمندان مایز
و آگاه با کمک سایر نیروهای انقلابی بیا
مقاومت و اقدامات اعتراضی دسته جمعی
نخواهند گذاشت این "خواهشهای طلایی رژیم
تعبیر شود.

نخست وزیر

معاون نخست وزیر

هیاتهای نظارت عالی
وزارتخانه ها و موسسات وابسته بدولت

۵ عضو هیئت عالی نظارت
بازسازی... وزارت دارائی

۵ عمو اصلی یک تا سه علی البدلی
هیات بیروی

۵ عمو اصلی، اما ۳ علی البدلی
گروه بررسی و تحقیق

گروه بررسی و تحقیق

هرم سکیلاتی هائیکه با سازی نیروی
انسانی یا "حفاظت جدید جمهوری اسلامی

تهدید بابت زمین

صفحه ۱۵ از صفحه ۱۵

اما گذشته از تهدیدات توخالی، خمینی
در بیانش مطالب دیگری عنوان کرده که
بیش از بیانش ما هیئت ارتجاعی اورا آفشاء
می کند.

خمینی فرهنگ رازی برینای جامعه
معرفی میکند و میگوید "استقلال موجودیت
هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت
نمیگیرد و ساده اندیشی است که گمان شود
با وابستگی فرهنگی استقلال در اقتصاد
دیگری بیا یکی از آنها امکان پذیر است."
در ابتدا بنظر میرسد که این سخنان از
"ساده اندیشی" خمینی برسی غیبه، اما
اینگونه نیست، خمینی بشکل زیر کانه ای
با این سخنان خود آت تطهیر بر رژیم
خونخوارش میریزد. خمینی که میگوید
استقلال فرهنگی است که استقلال اقتصادی
و سیاسی را در پی دارد، از این تطهیر سبق
میخواهد جمهوری اسلامی را رژیم مستقل
معرفی نماید. خمینی قصد دارد فرهنگ
ارتجاعی اما "مستقل" از شرق و غرب
رژیم را نمودی از استقلال معرفی نماید
حرف خمینی به این معنی است که هر بریت
و توحش حاکم بر رژیم جمهوری اسلامی،
بایمال تمامی حقوق اولیه انسانها،
بایمال تمامی حقوق زنان به بهانه
غرب زائشی، لایحه قصابی، بریدن دیت و
پا و گوش و... سنگ ساز کردن، تعدد زوجات
حاکمیت قانون صیغه بر روابط مردوزن،
نا بود کردن تمامی شئون فرهنگی، مگره
بودن موسیقی، نقاشی و سایر هنرها،
جلوگیری از ورزش دختران و زنان، از بین
بردن تمامی مظاهر فرهنگی و مقابله بیا
هرگونه گرایش مترقی در هنر و فرهنگ و...
همه و همه به معنی استقلال کشور است.

خمینی بدین طریق نه تنها قصد دارد -
مما ملات میلیاریا رددلاری با آمریکا و اسرائیل
و سایر امپریالیستها و تداوم تحکیم
وابستگی با آنان را الپوشانی نماید
بلکه تمام وجه ارتجاعی رژیم را که
همانرا مقصود با زکشت فرهنگی به ۱۴۰۰ سال
پیش را دنبال میکند، اعلام استقلال
قلمداد کند.

خمینی میگوید "هجوم دانشجویان پس
از طی کردن دوره های تحصیلی... در
دبیرستانها و دانشگاههای ایران بیوی
غرب و اسیان شرق... چنان فاجعه های
بببار آورده که همه ایما دجامه ما را بی قید
و شرط و وابسته بلکه تسلیم بر قدرتها کرد"
بسیار خنده آوار است که خمینی، مبتکر
و رهبر تعطیل دانشگاهها و سرکوب خونین
دانشجویان چنین سخنانی بر زبان -
میراند. گویی او خود رژیم سرکوبگرش را
به مسخره گرفته است. خمینی که جوانان
میهن را از هرگونه امکان تحصیلات عالی
محروم کرده و تنها راه دانشگاههای غربی
را برای آنان باز نهاده است (البته
این راه هم تنها برای فرزندان شومندان
و سرمایه داران و البته با کمی اشکال
باز است اینک از فاجعه هجوم به دانشگاهها
خارج سخن میراند.

این نیاز زینرنگهای خمینی است که
با تکیه بر سیاستهای فدا خلقی رژیم شاه
چشم بردا و ما بین سیاستها (و حتی تشدید
آن) در رژیم جمهوری اسلامی میبندد. مثلاً
خمینی همواره میگفت "شاه همه ایران
را ویران کرد و فقط بهشت زهرا را آباد
کرد" اما هرگز نگفت که رژیم خودی نیز
همین سیاستها را تداوم بخشید بطوری که

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

در کارخانه ها بر چیده شود

تهدیدات خمینی

نشانه ترس اوست

بقیه از صفحه ۱۲

بحرات میتوان گفت بازمانده آید یا دانی
- ها را نیز بکلی ویران کرد و علاوه بر
بهشت زهرا تمامی قبرستانهای دیگر را
نیز "باید تر" کرد بطوریکه با کمبودجا
مواجه گشته است.

در انتهای نیز خمینی میگوید "مادران
و پدران باید توجه داشته باشند که سنین
دانش آموزی و دانشجویی سالهای شور و
هیجان فرزندان نشان میباشند و با آنکه
شعاری جذب گروهها و منحرفین می شوند
در این جملات خمینی نکات پرمغزی نهفته
است. اولاً "بروشنی پیداست که خمینی
قصده دارد "شترسور را ادولاد، دولاد" انجام
دهد. بدین معنی که هرگاه در انتخابات
فرمایشی رژیم لازم است تعداد آراء بالا
رود دانش آموزان و دیگر جوانان عاقل
و بالغ اند و قادر به تصمیم گیری و انتخاب
صحیح! اما آنگاه که پای انتخاب خط
ومشی سیاسی توسط جوانان و یادار ه
شورائی مدارس و... بمیان می آید این
جوانان احساساتی میشوند که قادر به
تشخیص راه از جاه نیستند. دوما "باید از
خمینی پرسید چگونه است این جوانان
با این سن و سال که "با اندک شعاری جذب
می شوند" یا اینکه شعاریست یا نه روزی رادیو
تلویزیون و مطبوعات مزدور رژیم جذب
نمی گردند. چگونه است که این همه شعاری
پوچ و عوام فریبانه ای که از بلندگوهای
رژیم فریاد زده میشود قادر به جذب جوانان
نیست اما شعاریهای گروههای انقلابی -
که در شرایط سیاه اختناق با اندک وسایل
و شکل مخفیانه تبلیغ می شود جوانان
را مجذوب میکند، باید پرسید چرا بسا
وجودیکه نما می بلندگوها در دست شماست
جوانان در مقابل شما صف آرا شده اند.

بهر روز خمینی در مرحله ای است که هرچه
بیشتر سخن گوید بیشتر خود را مغزوی میکند
و بیشتر چهره "خود را می نشاناند. خمینی
نیز به همراه رژیم جمهوری اسلامی در شرایط
تاریخ قرار گرفته است و با هر گام، بسا
سرعتی بیشتر از قبل بسوی زباله دانی
تاریخ پیش می تازد.

۳ - مبارزه برای رسیدن به پلاتفرم واحد
مبارزه با دیگر جریاناتی که در شرایط
کنونی و علیرغم تزلزلات آنها موضع
انقلابی دارند.
۴ - فشار از بالا (از طریق مذاکره) و از -
پائین (با تبلیغ و ترویج مواضع انقلابی)
بردموکراتهای انقلابی برای اتخاذ
موضع انقلابی.
۵ - سازماندهی مبارزات توده ها و تحقق
وحدت مبارزاتی در میان توده ها. زیرا
اگر ایجاد "بلوک چپ" ضرورت دوران کنونی
است و اگر سیاست مابدرستی اتخاذ گردیده
است، قطعاً "حقانیت و صحت خود را" در
جریان عمل مبارزاتی اثبات خواهد کرد
و خواهد توانست نیروهای آگاه و انقلابی
(از جمله دمکراتهای انقلابی) را حول خود
گرداورد و مبارزه آنهاست و واحدی دهد.

و به سارت دیگر شناخت دوستان کساد
و واقعی طبقه کارگر منجر میشود، در حقیقت
در خدمت مادیات یافتن قدرت واقعی"
است. با این مابین گرایش همان ماسخ
لنبر کبیر به لیبرمنشویک در همان بحث
کپنه و ریشه دار "توافق تکنیکی" بسا
لیبرالهاست. لکنین به لیبریکه "بسا
حرارت فوق العاده زیادی وی را با خاطر
موضعش در مقابل کادتها و تزلزل -
دمکراتهای انقلابی "مهم منکسر
که حتی ترودویکها" (دمکراتهای انقلابی)
را نیز از مرز منفقین بورژوا - دمکرات
پرولتاریا حذف کرده است "مذاکرات
نهایی برگزارش درباره شیوه برخورد
با حزب بورژوازی ۱۴ مه از پنجمین
کنگره - س - د - ک - ر" (مجموعه
آثار جلد ۱۲ صفحه ۴۷۰) چنین پاسخی
میدهد: "منحصری از حذف عمل مشترک
با ترودویکها نگردیده ام، بلکه صحبت از
ضرورت قطع رابطه با ثونانات (تزلزلات)
ترودویکها کرده ام. ما نباید بی از خدا
کردن "خودمان از آنها، وقتی که آنها
تمایل دارند همراه با کادتها کشیده شوند
بترسیم. ما بایستی بیرحمانه ترودویکها
را وقتی که قادر نیستند موضع قاطع
دمکراتهای انقلابی بگیرند، افشا
کنیم. رفیق لیبر! یکی از اینست و:
یا حزب کارگران سیاست مطلقاً "مستعمل
پرولتری را تعقیب خواهد کرد، که در -
این صورت ما عمل مشترک با بخشهایی از
بورژوازی (منظور بورژوازی دمکرات
ترودویکهاست) را فقط و قسکه آن بخش
سیاست ما را باید برعکس برعکس
میدانیم، یا اینکه صحبت ما درباره -
استقلال مبارزه طبقاتی پرولتاریا
حرف مفتی بیش نیست" (همانجا)
بله، اکنون که دموکراتهای انقلابی
مصرا ندکه حتی اگر بقیمت رها کردن -
سازمانهای طبقه کارگر هم کشیده شده، لیبرالها
را بخود ملحق سازند و به توهم "پایبسته
توده ای وسیع آنان" با آنها اشتغال
نمایند و توجیهی با اثرات مخرب حرکت
خود برده نیت پرولتاریا و سایر اقشار
خلق ندارند، ماضن حمایت از کلیه
حرکات انقلابی آنان و تلاش در جهت
مادیت بخشیدن بوحدهت عمل با آنها و
توسیه آن بکلیه هواداران (در این مورد
در مقاله "شرایط نوین، سازماندهی
نوین" رهنمودی دال بر ایجاد کمیته های
مقاومت محلی "داده شده است) از اینکه
موقتاً "خودمان را از آنها جدا کنیم و -
موضع انحرافی آنان را بینه دیگریم
(کاری که هم بهادادن بان در بنمدهت
طولانی مبارزه مستقل ما جدا" قابیل
انتقاد است) بایستی نداریم، زیرا عمیقاً
معتقدیم که اگر چه در کوتاه مدت موجود
اثراتی (تا بدین حد هرنمفی) برروابط
نیروهای انقلابی گردد، اما در درازمدت
از آنجا که آگاهی طبقاتی توده های کارگر
را ارتقاء خواهد داد، نهایتاً "و اساساً"
در خدمت مادیت یافتن قدرت واقعی
گام برداشته ایم.

۳ - تلاش در جهت ایجاد بلوک نیروهای
انقلابی پرولتری از طریق مذاکره حول
پلاتفرم مبارزه واحد (که خودتختانسه
تاکنون نتایج نسبتاً "موفقیت آمیزی
گرفته شده است. (پلاتفرم مشترک ما و -
راه کارگرو جوان چپ اکثریت بتصویب
رسیده است)

شناخت مواضع موجود

روشنی کلیاتی. تمایل با اختلاف
ش با لیبرالها بصورت دعوت ورود
تلاف شکل گرفته (شورای مقاومست
(حتی در صورت عدم پذیرش اصلاحیه های
ر" میثاق در دوران سازمان (اگر چه
رت ضعیف) و تلاش برای قبولاندن این
با این استدلال که عدم ورود ما باین
لاف صنایع انزوای سیاسی و "بی حرکتی
سی" سازمان خواهد شد. این جریان
قداست که سازمان ما با عدم ورود باین
لاف (که بنظرش همونی آن در خدمت
گراتهای انقلابی است) در حقیقت
اعتقادی خود را با انقلابی بودن -
گراتهای انقلابی نشان میدهد. به
قادم این گرایش بهمه اصول و مبانی
فدائی ما (تعیین ماهیت اشتغال
بی بودن مبارزه آن با دشمن، روش -
رزه و مدنظر قرار دادن اهداف عمیقتر
شمی تر پرولتاریا و غیره) پشت پا
ند و ورود به چنین اشتغالی را توسعه
ند که در شرایط کنونی نتایج ناسازگار
ای (ضعف - ل ها) جز مخدوت نمودن
های انقلاب و ضد انقلاب معناتسی
رد، و بدون توجه بواقعیت نیروها و
نما (و همه ما - لها) اشتغالهای -
نما را با بورژوازی کشورهای تحت
و با امپریالیستی راد در دوران هجوم
سیم در مدنظر دارد و بعنوان مناسی
ریک خود ذکر می کند، عنوانی جز
گرایشی نمیتواند داشته باشد. این
ش ریشه در ماهیت روشنفکری نمایندگان
نارد. البته هر روز چنین گرایشاتسی
زمانهای سیاسی طبقه کارگر سرد
بط کنونی جامعه ما چندان غریب
ت زیرا: "در یک کشور خرده بورژوازی،
لال انقلاب بورژوازی، و در جامعه ای که
اد زیادی روشنفکر خرده بورژوا در حزب
گران جا دارد، گرایش طرف تبعیت
ی پرولتاریا از لیبرالها نالوده
ار واقعی دارد. و این گرایش که ریشه
سعیت عینی امور دارد، جوهر و مجموعه
مغالطه کاری های سیاسی شیوه
بالیستی در موضوع اشتغال با کادتها
شد" (بتین - مجموعه آثار انگلیسی
۱۳ صفحه ۶۴ "یادداشت های یک
سنده مقالات سیاسی")

توجه باین مختصر در جهت تناسی
تغ اصلی موجود در مقابل ایجاد
و ک چپ و شکل گیری آن "قدرت واقعی"
که به بررسی راه حل های موجود
رداریم:
عدم ورود با تلاف ضمن حمایت از -
ات انقلابی آن: علیرغم تاکید
یش روشنفکری موجود، بلزوم ورود
تلاف موجود و باز انحرافی از -
زوی سیاسی (یا حتی بقولی "انزوای
همند") معتقدیم که عدم ورود ما به
لاف موجود، حتی اگر موجب انزوای -
بی "موقت ما نیز بشود (که عمیقاً
قدیم چنین نیز نخواهد شد زیرا حمایت
ه نیروهای انقلابی و سازمانهای دیگر
همراه داریم) با از آن جا که موضوع
شنی مرز بین انقلاب و ضد انقلاب

یک ارزیابی کوتاه از ...

بقیه از صفحه ۹

نسبت به نیروهای مختلف شناخت نسبتاً دقیقی دارند و در وصف بندی انقلاب و ضدانقلاب را بشکل نسبتاً درستی رسم میکنند. کارگر یک کارخانه میگفت "تازه فدایی‌ها شروع کرده اند اگر آنها هم شروع کنند دیگر این حکومت رفتنی است". جوان روستایی در جواب هرده را میگوید "صفا انقلاب و ضد انقلاب کاملاً جدا هستند اینورفدائی‌ها و مجاهدین و آنطرف هم حزب جمهوری و بنده". اینها قرار دارند "وما حب یک ما ندویچ".

فروشی در بحث با یک توده‌ای میگفت هر کس مبارزه کند من او را قبول دارم مشکل فدائیها و مجاهدین شما هم در ایندخیا نیست میکنید "و در آخر صحبتش گفت" من طرفدار سوسیالیستی که فدائیها میگویند هستم".

در این رابطه از سوسیالیست بشکل کاملاً مشخصی خلاصه حرکات مستقیم، مشخص و وسیع از سوی سازمان ما - که در این رابطه کاملاً انتقادیه ما وارد است - در بین توده‌ها دیده میشود و از سوی دیگر صورت اقدامات سریع در جهت ایجاد جنبه‌های انقلابی از نیروهای -

کمونیست و دمکرات و ترسیم خط و مرز بین انقلاب و ضدانقلاب به پررنگترین وجه ممکن کاملاً مشهود است. توده‌ها در شرایط فعلی انقلاب و تحولات وسیع را کاملاً امری ممکن میدانند اما هنوز بنفش تاریخاً خود در این تحولات واقف نیستند در سخنان مردم بیشتر حالت انتظار از عملی شدن تحولات بدون شرکت خودشان - حاکم است. در این رابطه تا حدتاکتیکهای پیشرو جهت واقف نمودن توده‌ها به نیروی دورا نسا زشان - بسیار حساس است و بکار رگبری قهر مسلحانه در عین ضروری بودن - هرگاه با تبلیغات سیاسی و سرورانتخاب صحبتند در تمام -

نیاسد میخوانند به این گرایش‌ها من زند را ننده یک واتت بازمیگفت "اگر یک انقلاب دیگر نشد هرچی دلتان خواست بمن بگوئید مردم دیگری به تنگ آمده اند در بمب بنزین بر سرشکالی در مورد کوبین را ننده و مامور شهر با نی و متصدی پمپ تما ما "عصا نیس بودند ما مور شهر با نی گفت "آقا شما بروید انقلاب کنید ما هم بدنیال شما میآئیم".

متصدی پمپ دیگری میگفت "آقا! آخسه چکار کنیم. دولت هر روز یک دستوری میده شما بروید انقلاب کنید ما هم هستیم" زن - معنی در تاکسی میگفت من نمیخواهم بی خودی کشته شوم و اولاً زکشته شدن با کئی ندارم این نیروها راه بیفتند ما هم تما "دنیال آنها و به عنوان آنها راه میافتیم".

اما در این میان گاه هنوز زنده‌های انقلاب بگوش میرسد. کارگر در جرحه سازی میگفت "بین ما دانش تو این دنیا همیشه بنجر ربه آدم بدبخت همیشه بدبخته آدم چهل دلت همیشه بولد. راه لایحه دولت شاه چه دولت جمهوری سلاسی، اوتا چرش بود این همه مذاره. ولی سرما در آن موقع هم چیزی نبرد اولان هم چیزی نیست "آدامه

داد "مردم دیگر خسته شده اند یکبار انقلاب کردند و شورش را دیدند. دیگر از انقلاب - خبری نیست چون یکبار روزه اش را چشیده - اند".

روشن است که پیشرو در این شرایط در عین حرکت با برتا مه در جهت سازماندهی و تشکل توده‌ها و زدودن افکار روگرایشات انحرافی با ایده تبلیغ و ترویج وسیعی در مورد این ایده بپیرا زدگه "انقلاب کار توده‌هاست".

۵- توده‌ها و فرار بنی صدر

فرار بنی صدر با فرانس و تقاضای پناهندگی سیاسی از آن دولت، واکنش‌های متفاوتی را در توده‌ها ایجاد کرده است. نکته مهم و قابل توجه در این رابطه اینست که اکثر توده‌ها بیش از آنچه که به بنی صدر - بر داخته باشند در مورد رجوعی اظهار نظر کرده اند. غالب آنها فرار بنی صدر را باور کرده و آنرا امری محتمل میدانند ولی در مورد رجوعی بویژه با "خلبان مخصوص شاه" این مسأله را باور ندارند و دروغ و افتراه رژیم برای بی حیثیت کردن سازمان مجاهدین میدانند. در بخشی از توده‌ها نیز تصورات نادرستی از مبارزه در داخل و خارج کشور وجود دارد. پیرمردی میگفت: "مردا و نه که توی ایران با شاه و مبارزه کنه. بسیاری از هواداران مجاهدین اطلاع دقیقی از جریان نداشتند و غالباً با سخنانی نظیر: "حتماً خودشان یک چیزی میدانند که اینکار را کرده اند" یا "آقا زه کار در مرکز صورت گرفته است و آنها از موضوع اطلاع دارند" یا "ما موریت سازمانی است و برای افشای گریه‌ها بهیت سرکوبگران رژیم میآید".

... مسأله را توجیه میکنند. از سوی دیگر بسیاری از آنان همراه شدن رجوعی را با بنی صدر صحیح ندانسته و اعتقاد دارند که اینکار ربه توریته مجاهدین ضربه میزند و در برابر وجودت مجاهدین با بنی صدر ضمن اینکه آنرا نادرست میدانند، بخاطر توریته مرکزیت سازمان در ظاهر از آن حمایت و پشتیبانی مینمایند. و این عمل را ضربه به رژیم در عرصه بین المللی ارزیابی میکنند.

رفیق گزارشگری می نویسد: "در کل - تا شیرازین جریان بر مردم منفی بود. بسیاری از کسانیکه بتازگی به مسأله سیاسی علاقمند شده و نسبت به حکومت نا رضایتی پیدا کرده اند و با مجاهدین متعایل شده بودند بر اثر این مسأله نسبت به گروه‌ها محتاط شده و به تردید و دودلی دچار شده اند. اعتقادشان نسبت به پیشرو کمتر شده و در گروهی از هواداران سرسخت و فعال مجاهدین این عمل تا شیراز شده و از آنجا که آنها - دیگر به این سازمان برخوردی احساسی و غیر منطقی کمتر میکنند، این مسأله چون ضربه‌ای آنها را بفرکارا جبهه سازمان و اینکه آنها قابل انتقاد است و آداشته است. با این جهت با دیدن با تری نسبت به جریانات فکر میکنند.

توده‌ها - اکثریتی و غالباً از آنها در این رابطه موضعی تعرضی دارند. فالانژی می گفت: "چون چیزی در جسته نداشتند مجبور -

شدند با لباس زنانه فرار کنند". بنی صدر ای می گفت: "اینها هم رفتند کنت بختیا روا میریای لیزم با جمهوری سلام مبارزه کنند".

بطور کلی توده‌ها نظر مساعی نسبت این موضوع نداشته اند. در راه‌ها ۲۸ ساله ای که تقریباً "سمپات نیروها مترقی است میگفت: "اینهم از رجوعی به کی اعتما دکنند. از کجا معلوم که رجوعی دیگر اینطور نباشد؟" کارمند جوانی داشت: "من از اول هم به بنی صدر خوش نبودم. حالاهم نیستیم. اما رفتن با رجوعی مسأله را بفرنج کرده است. کارمند مس میگفت: "نمی دانم حکومتی که مجاهد بنی صدر تشکیل میدهند چطور می‌شود؟" میدویم بنی صدر بفرنج من و شما کار نمی‌کنید. لایحه شده که رجوعی با هاش را افتاده برای خود منم عجیبه. با پدر شرا بی این ایجاب میکنند. "در یکی از کارخانجات از شنیدن نوار سخنان رجوعی که از بنی صدر - سی پخش شده بود کارگری میگفت: "ت از ما نیکه بنی صدر اینجا بود چکار کردی؟ از کار چکار کردی؟" و کارگر دیگری اظهار داشت: "اینها خوب کار نمی‌کنند که رف مردم حالاهم از رجوعی میگویند. "و دیگر گفت: "همین کارگری را که خمینی کرداد کرده اند. خمینی هم از طریق همین را د بود که حرف میزد و عمل نکرد و حالا انوب اینهاست. "در یکی از کارگاههای لیا دوزی کارگری گفته است: "خوب معلوم پول در راه مردمی ره. اون فرار کنه کی کنه؟" و کارگر دیگری طرف رجوعی ضربه است بعد از شنیدن خبر فرار روی تا مدت ساکت بوده است و بعد گفته است: "بنی صدر رفت فرانس. آنجا که خمینی بود. می یک چند سالی آنجا و بعدیت میشود و منل خمینی بر می‌گردد. "فرز خنده پورژوئی را تا شید میگویند بنی صدر را. آخربنی صدر برای مردم چکار کرده. نه این برای کار کرده و نه اون. "آصلا هر کس برای خودش می‌کند. "زن خنده پورژوئی متوسط گفته است. "اینها هیچکدام به فکر مردم نیستند. اینک خودمان یک کاری نکنیم".

بر خوردهای توده‌ها در مورد رفتن رجوعی و بنی صدر به پاریس و بخصوص خط و مرز گاه مشخصی که بین این دو رسم مینمایند. بنی صدر نشان میدهد که مردم ما بهیت رفیق می‌میدانند و شناخته اند و او را نیز در مملی مقابل خود میدانند. حرکت برای زمین هرگاه بشکلی صحیحاً ارا که پلاتفرمی انقا و دعوت تمام می نیروهای مترقی (از جمله مجاهدین) به گرد آن صورت گیرد بد رست - قادر است گامی مهم در جهت افشای و طرد ه چه بیشتر بنی صدر را دیگال نمودن - مجاهدین باشد.

آئوده‌ها ترور و بمب گذاری

اولین نکته‌ای که در این رابطه قابل ذکر است اینست که بخاطر رجوعی و وحشت و خفقان حاکم، توده‌ها در مورد ترور و بمب گذاریها تنها با کسانیکه مورد اعتقادشان هستند صحبت

بقیه در صفحه ۱

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

کارت‌های کوتاه ذهنیت توده‌ها

صفحه ۱۸ میکنند البته این کارهای در روزهای آخر مرداد ماه و به یاد شدن میرفت و نمودهای آشکار توده‌ها با مسائل ترور و بمب گذاری در در صفاهای خرید ما بختا چو در برخی بجات دیده میشود. در نزدگاری رگرا ن ترورها با کنجکاری خاص روزی فروزی میگردد. کلا "دو حرکت بخت گذاری و کنشهای متفاوتی در توده‌ها برسر گیزد. در مورد بمب گذاری در اما کن و خبا یا نیا و کلا "حرکاتی که باعث در ب و آرد آوردن خسارت به توده‌ها بطور کلی نظر مسا عدی وجود ندارد نسبت به آن ابراز ازجا روتنفسر یند. غالب توده‌ها، به جز اقشار عقب رده بورژوازی و منزهین به رژیم ها اعمال را کار خود رژیم میداند. از ده را میگفت: "کار خودشونه، این را میکنند که هر کثافت کاری را - نند انجام دهند و بعد بگویند و بیانات از دیگران. و بیها نه هم برای کشتن مردم داشته باشند. "خاتمستی در رابطه گذاری مقابل سینما با سنا ترا ل می "کار کار خودشون است" "کار کار رگرا رگا رگا میگفت "میدانی اینها بمب‌ها را میگذاردند و توی تلویزیون میکنند که مغز من و تورا ششش و و بگویند این کار کار رگروهاست" کارمندی میگفت "دیشب بعد از تلویزیون بخا طریجه ها گریه کردم اینجا را کرده اند" نمونه آخر جرمی است که کم و بیش در میان مردم دیده بود در رابطه با بمب گذاری رگرا رگا رگا هم دولت و هم نیروها را تو ما - بینما یند که نیا یید بیا یند مردم را بیا یزند بچه‌های ۴ ساله را بکشند تا زنگی ها به مردم رسیده "کار رگری است "این بمب گذاری رگرا رگا رگا رگا است. آخر کوکک ۴ - ۳ ساله چه گناهی است. زن خرد بورژوازی میگفت - مملکت دیگر را غون شده حسابی همه چو مرچ است. هم میزند یکدیگر را ندوخته‌ها به میکنند. من میگویی هم طرفی‌ها بد هستند و هم آن طرفی‌ها. هر آن بخون هم تشنه اند، اگر میشد این آنها و دولت کمی کشتا رگرا کم می د خوب میشد و - هر روز در این مورد از سویی میتوان - شیوه‌های رژیم - و احیا تا "بورژوازی - تا حدودی توانسته است موفق و اقشاری را تحت تاثیر قرار داده خط نیروهای انقلابی را با فدا انقلاب در مورد مخدوش سازد. اما از سویی دیگر ذکر کرد که این ساله عمدتا "بخاطر صور فعال نیروهای انقلابی در زمینه فغاتی و کم بها دادن به تبلیغات - ی بخصوص از سویی میخا هدین و کشتل تن حرکات اصولی - چه در وجه نظانی ر رابطه با تبلیغات سیاسی - از سویی نیروها و علی الخصوص سازمان مسا

انقلاب و نیروهای نظامی

بقیه از صفحه ۱۷
این مسئله بخصوص در انقلاب ایران از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. هم اکنون در کنار ارتش پلیس و ژاندارمری، ارگانهای مسلح دیگری نظیر سپاه، کمیته‌ها و... قرار دارند. ارتش پلیس و... ارگانهای مسلح رژیم دیکتاتورانه میباشند که پس از قیام حکومت جدید در جهت حفظ و بازسازی آن اقدام کرده است. و کمیته‌ها و سپاه پاسداران پس از قیام موجود است و مدتی توسط حکومت سازماندهی شدند. تفاذ بین این ارگانهای مسلح ز همان آغاز تاکنون بشدت عمل کرده است و در موازاتی حتی تا حدود درگیریهایی مسلحانه حدث و شدت یافته است. سپاه پاسداران و کمیته‌ها تحت نفوذ کامل حزب جمهوری اسلامی قرار دارند و نقش بسیار فعالی در سرکوبی توده‌ها ایفا می کنند اما ارتش و ژاندارمری و شهرهای هر چند توسط حزب حاکم قیضه شده است ولی تحت نفوذ کامل آن نیست در میان افراد ارتش و... ناراضی شدیدی نسبت به حکومت وجود دارد بختی از ارتشیان به خصوص رده‌های بالا طرفداران بختیار، سلطنت طلبان، لیبرالها هستند و بخش قابل توجهی از رده‌های پائینی به نیروهای انقلابی گرایش دارند و بخشی نیز از حکومت فعلی طرفداری میکنند. ارتش و ژاندارمری و... مورد اعتماد کامل حکومت نیست و بدلیل تجربه قیام و مبارزات قبل و بعد از آن و هم بدلیل گرایش‌های مختلف درون آن، هم بدلیل فقدان - نظم و از هم پایدگی آن، نقش بسیار فعال

و د و طلبانه‌ای در سرکوب مبارزات نمی تواند ایفا کند. هم اکنون در شهرها سرکوب مبارزات توده‌ها، دستگیریهایی و غیره... عمدتا "توسط سپاه و کمیته‌ها انجام میگیرد و بخش وسیعی از نیروهای شهرهای حاضر به شرکت فعال نیستند و تجربه قیام در شهرهای بسیاری به آنان داده است. در صفوف ارتش و ژاندارمری نیز وضعیت کما بیش چنین است. ارتش و... فاقدانجا م و نظم و انضباط لازم هستند و با رشد جنبش توده‌ها تحت تاثیر آن - این تزلزلات بسیار تشدید خواهد شد. در میان سپاه و کمیته‌ها که در مقام سپاه با این ارگانها از انجما بیشتری برخوردارند نیز تزلزلات فزونی خواهد گرفت و تفاذهای درونی این ارگانها حدت خواهد یافت. از این تضادها با ییدخا کثرا استفاده را برای گسترش جنبش توده‌ای و کثا شدن بخش‌های هر چه وسیعتری از نیروهای مسلح بصرف خلق بعمل آورد.

با ید توجه داشت که کار در میان نیرو - های مسلح از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است و مستلزم دقت فوق العاده و رعایت حدا کثر مخفی کاری است چرا که باید در قلب دشمن به سازماندهی مخفی و متشکل کردن پرسنل انقلابی اقدام کنیم و کوچکترین بی دقتی میتواند منجر به ضربه‌ای جبران ناپذیر گردد.

امروزه زمینه بسیار مناسبی برای نفوذ نیروهای انقلابی در میان نیروهای نظامی وجود دارد از این زمینه باید در جهت متشکل کردن پرسنل انقلابی و جلب بخشهای معتبر ارتش بسوی سیاست و بسوی نیروهای انقلابی استفاده کرد. و این مسئله باید بعنوان - وظیفه مبرم و مهم انقلابیون و سازمانهای انقلابی محسوب گردد.

میباشد. تنها آنکه آنکه تمام می بلندگوها و بوغها از سوی رژیم بمبارا آید و صدای - انقلابیون نتوانند به توده‌ها برسد است که تبلیغات یکجا تبه رژیم برد و وسیعتری - پیدا می نماید.

در رابطه با نیروهای سرخ نیز گرجه از سویی توده‌ها با استقبال و خوشحالی مواجه گشته است اما بعلمت عدم یکپارگی تبلیغ سیاسی در جوار آن نتوانسته نقش اصولی خود را در شکستن جوار غاب حاکم، گشودن راه مبارزات توده‌ها و به میدان کشیدن آنان ایفا نماید بطوریکه بخشی از توده‌ها از ترورهای آنان - "قرص مسکن" یاد میکنند. استقبال توده‌ها از ترورهای سرخ - بخصوص در مورد افراد کلا "منفور و شناخته شده - نشان میدهد که زمینه مسا عدی جهت تبلیغات سیاسی حول این اعمال و به میدان کشیدن توده‌ها وجود دارد. بدتبال اعدا م انقلابی فرد - منفوری دروا سرخا نم خانه داری میگفت: "تکس را که کشتند حقتش بوده اگر شما - بد اندیچه جوزا می بود. توی نماز جمعه همیشه با شلاق جوانهای مردم را کتک میزد. تا تبهی نظا هرات جوانهای مردم را دستگیر میکرد" از اینگونه وی ترور شده بود، خوشحالی و رضایت عمومی دیده میشود. بعد از یک درگیری در خیابان قصرالدشت - بوستان سعیدی زن زحمتکش میگفت: "بکر میبکنم بخاطر - "حاشی ریشش کمیته اینجا تا شده که داشتم حمله میکنند. میگویند از اون پدر سوخته های سرخ و بی شرف است. حسابی ظلم میکند. دیگری گفت: "آره خانم. همسایه

ما میگفت رفته بوده و رقه کوبین از او بگیره آنقدر از دیدنش کرده تا گریه اش گرفتار اعدا م انقلابیون موج نفرت و آت ز جبار نسبت به حاکمیت را در بین وسیعترین توده‌ها برانگیخته است و آنرا محکوم میکنند و از سوی دیگر نزدیکی و مودتی بین خود و انقلابیون احساس مینمایند. خانمی (خرده بورژوازی) میگفت: "ببینید بچه‌های ۱۰ ساله مردم را اعدا م میکنند. آخر چرا ۱۰ و که کاری نگرد و چیزی نمیداند. "کار رگریکی از - لباس دوزیها میگفت: "اینها اینقدر بسی شعورند که حتی شب قتل هم ۲۷ نفر را اعدام کرده اند. "کار رگری شمشا فی میگفت: "ببین روزی جقدر مجا هدین و فدا شیا را تیرباران میکنند. واقعا "رویشا را سفید کرده اند." زن زحمتکش در صفتان اظهار داشت: "برود زندانها را نگاه کنید پراست. بچه‌های ۱۲ - ۱۱ ساله را می برند اعدا م میکنند. مسی دانید بجرم چی؟ بخاطر اینکه اسمش را نگفته است. این راه اسلام است که اینها میروند؟ نه به پیرو بیغمیر! را ننده کرایه‌ای می گفت: "من اصلا هیچکاره ام و به سیاست - کاری ندا زم. ولی خود آقای شیرازی توی مسجد گفت که تمام این من لفها را با یید کشت. حتی نیا یید بگذا ریم که بچه اینها به دنیا آید. چونکه بچه هم فساد است. "ما حب کارگاهها فیدگی میگفت: "دیشب ساعت ۷/۵ از خواب بیدار شدم و پیش خودم فکر کردم در این موقع است که تیرباران میکنند. الان که ما راحت خوابیده ایم. چرا مگر آنها چکار کرده اند؟"

گردستان، گردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد رزمت

یاد پیشگام شهید بیژن مجنون گرامی باد

رفیق بیژن مجنون دانش آموز پیشگام دبیرستان مدراصفهان در سال ۱۳۴۲ در محله سیچون اصفهان بدنیا آمد. دوران کودکی را همراه با رنج استعمار و فقر سپری کرد. در این دوران در اردوی رنجور زندگی خانوادگی با مشکلات اجتماعی و دردهای جامعه آشنا شد. او معلولها را میدید دلش به درد میآمد و در پی یافتن علتها بود رفیق قبل از قیام با او جگربری جنبش توده ها، در بطن این مبارزه شرکت فعالانه داشت. شبها با بچه های محل به شعر و نوبت و نظا هرات در محله می پرداخت و این حرکات در رشد او آگاهی وی و موثر بود تا آنکه بعد از قیام با رفقای هوادار سازمان در دبیرستان آشنا شد و به این طریق با آرمان فداشنان خلق آشنا شد. پس از ارتباط با رفقای پیشگام فعالانه در کارهای تشکیلاتی شرکت می جست. رفیق مبارزی پر شور و خستگی تا بدینسر در سنگر مبارزه طبقاتی همچون دیگر پیشگامان در کار و پیش و فروش نشریه و آگاهی بخشیدن به توده ها از طریق اعلامیه کوششی بیگردد داشت. پس از طردا کثرت - "کمیته مرکزی" خائن از سازمان وی بیگانه همراه بعضی از رفقای دیگر مدتی مردد و پس از اطمینان بر کامل از خط مشی ریزش و تسلیم طلبانه کثرت کمیته مرکزی در ارتباط هر چه مستحکمتر با سازمان و هواداران همت گمارد در راه انزفا - گری در مورد خائنین اکثریت کمیته مرکزی برای توده ها لحظه ای درنگ نکرد. وی به علت فقر مالی خانوادگی و همچنین شناخته شدن توسط انجمن اسلامی مجبور شد به مدرسه شبانه دکتربریعتی بروی و روزها را همراه پدرش کار کند و چندین بار به خاطر فعالیتها پیگیری توسط سنا دستگیر شد. فالانزهای محل تیز بطور مرتب خانه آنان را زیر نظر داشتند تا اینکه با آغاز تشدید و اختنا زد سزکوب و اختناق توسط رژیم فدا نقلابی جمهوری اسلامی در ۷ تیر فالانزهای بسیج محل وی را هنگام مراجعت به منزل دستگیر و پس از ضرب و شتم بسیار بوسیله چاقو مجروح نمودند و به علت وخیم بودن حالش رفیق را به بیمارستان شریعتی منتقل کردند اما با سداران سرمایه سرمردار دستش جدا کردند و او را به مقر سنا بردند. رفیق در مدت بازداشت توسط با سداران شدیداً شکنجه شده بود بطوریکه تمام ناخنها - پیش را کشیده بودند و سرانجام در سحرگاه ۲۲ مرداد رفیق را به آنها موای تمیز - انفجار سنا را هم در گوه کلاه قاضی به جوخه اعدا سپردند. گفته میشود هنگام اعدام - تنها یک تیرا ز سوی با سداران سرمایه بوی شلیک میشود.

رفیق در راه آرمان والای کارگران و زحمتکشان همچون دیگر فداشنان خلق - دلیرانه و سرسخت مقاومت کرد و در مقابل جلادان رژیم جمهوری اسلامی تسلیم نشد. با شکر خون او و همزمانش پرچم رهایی کارگران و زحمتکشان باشد. با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان

بیاد پیشگام شهید بیژن مجنون

هنه گفتمی به نام مردی و نام مستردم
در سنگر عشق محکم و وفادار
تو ای بار پرملای خسرو
با دستهای کوچک
گل رهایی را
به دیوار جگه میبکنی
استقلال کارمکن آزادی
من و تو
دست در دست
با مشتای گره کرده
می آسیم
ما میبوییم
در زمان رهایی انبار
با دانهها و پتکها
آیدید در سلخ سرمایه
عظیم می شویم
آنروز!
هیچ نیروی را با رای مقابله
مانند
این لیخند توست
شیرین و مهربان
برای گل سرخ رهایی زحمتکشان
همیشه بر لب
چرا که ما تمامیت انسانیم
چرا که ما عشق را قربان کرده ایم
در میان نا رفیقان پشت کرده به انقلا
رفیق دستهای دانهها و پتکها
فریاد می کشی!
پیروزی با انقلاب
سازش هرگز
رفیق!
از پشت پنجره، بیسوز
ستاره پنج بر آزادی در راه است
می شنوی!
این صدای توفان است
جواب باد
همیشه توفان است

هستی!
دیدم
نوشته بودی به دیوار
با خط سرخ
سرود رهایی انسان
سرود سازمان کار
رفیق بیژن!
این خط توست
تو!
می آیی در ما جاری می شوی
تا من و تو
با دیگر رفیقان
دنیا می نوینا کنیم
دنیا می که در آن
دختر رحمان با یک تب و ساعته نمیرد
تو!
در این راه عاشقی همچون یک طوطی
تورا زلوگردان شب پرست
هراسی نیست
چرا که به دستهای زحمتکش آری گفته ای
چرا که از هر چه دست و شکم فریه است بیژری
هنسوز!
این خط سرخ توست
در کوچه های گمنام قیصر
روبروی مدرسه صدر
در کوچه های سیچون، وحید
این!
صدای رای توست در میدان انقلاب
فالانزها، نوکران سرمایه
می لرزند
فریاد می زنی، با عشق، با همه وجود
"کار" نشریه ما زمانه بر افتخار چریکهای
فدائی خلق ایران
آنطرفتر با دستهای اعلامیه
"کار" ویژه تو ماچ،
خوب می دانستی که بایست به راه تو ماچ،
به راه بیژن گام نهاد
دلیرانه در مقابل دژ خیمان سرمایه ایستلوی
گلوله های سرب می آمریکا شرا به جان خریدی

پتک است خون من در دست کارگر

داس است خون من در دست بوز

تا ریخ انقلاب ایران مشون از جان -
با زیبا و فدا کار ریهای انقلابیونی است
که چه در تالها سنا هدیکتا توری و چه پس
از سقوط رژیم جنا پتکا ریهلوی و برقراری
رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی مبارزه ای -
تا پای جان را به پیش برده و خون خویش
را نثار خلق قهرمان ایران ساختند و این
مبارزه که هم اکنون ادامه دار و دتا پیروزی
تفاقی کارگران و رفیع هرگونه ستم و استغنان
تداوم خواهد یافت.
مهرماه هر سال نیز همچون ما بر ما هیا
و روزهای تاریخ ایران فداشنان خلق
شهادتی به پیشگاه خلق قهرمان ایران
تقدیم داشته اند، با شکر خون ایسمن
قهرمانان و سایر انقلابیون خلق پرچم
سرخهای کارگران و دیگر زحمتکشان -
باشد.

سپهرماه اول مهرماه سال ۵۰، رفیق
چنگیز قبادی - محمد علی سالی - سید
نوزادی
پنج شنبه ۱۰ مهرماه سال ۵۰، رفیق
مهرنوش ابراهیمی و سوجهرنهایی پو
پنج شنبه ۱۲ مهرماه سال ۵۰، شهیدان
رفقای آرمان خلق
همایون کتیرانی - هوشنگ ترکل - ناه
گریسی - بهرام طاهرزاده - نامریدنم
چهارشنبه ۲۳ مهرماه سال ۵۲، حسن جاس
لنگرودی
جمعه ۲۵ مهرماه سال ۵۴، رفیق فرشی
فرجاد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد | شکنجه و اختناق نابود باید گردد